



سال اول - شماره ۳ - دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۸ - شماره ۵۰۰۰

روح حاکم در نظرگاههای مادر موریدیک  
قانون اساسی طراز مکتب (اسلام)  
در صفحه ۵  
مصاحبه مطبوعاتی مجاهدین خلق  
قانون اساسی باید پاسخگوی چه مسائلی  
باشد؟ در صفحه ۶  
دادگاه انقلاب شیخ الاسلام زاده راجات  
دادی! در صفحه ۷

دادگاه خلق قدمی در راه حاکمیت مردم  
سروش خود  
مقدمه: هر دوره از تحولات اجتماعی بنا به نیازها  
و ضرورتهای خود نهادهای خاصی را میطلبد. دادگاههای  
خلق هم پدیده و نهاد مناسب با مرحله روزهای پس از  
انقلاب و جوانی درخور به نیازهای این مقطع خاص محسوب  
میشوند.  
پس از قیام غیرماتانه خلق ما، دادگاههایی به نام  
دادگاه انقلاب اسلامی تشکیل شد. این دادگاهها به جرات  
کسانی رسیدگی میکرد که به قول امام به منتم، بلکه مجرم  
بودند. جرائم و جنایاتشان برای همه مردم روشن بود و  
آنها از مدتها پیش در پیشگاه خلق  
بقیه در صفحه ۷

دولت موقت ایران و برنامه اقدامات فوری دولت موقت انقلابی نیکاراکونه

# آیا انقلاب نیکاراکونه راه ایران را خواهد رفت؟

اداره جامعه انقلابی باری است  
پرویش دولت غیرانقلابی  
پیروزی جبهه آزادیبخش ملی  
ساندی نیستها در نیکاراکونه توجه ملل  
تحت ستم و در حال مبارزه را برانگیخته  
و مایه دلگرمی و شور و شغف مبارزان  
راستین گشته است. از طرف دیگر این  
سؤال که حکومت جدید، انقلاب  
بسرزمند خلق نیکاراکونه را بجا خواهد  
برد مطرح می باشد. سؤالی که در مقابل  
سروش هز انقلابی وجود دارد.  
علیرغم تفاوتی باری که مبارزه  
مردم نیکاراکونه علیه سوموزا، با قیام  
مردم کشور ما علیه رژیم سلطنت دارد،  
خلق ایران و نیکاراکونه تقریباً همزمان  
دو دیکتاتوری پنهان را سرنگون کردند.  
شروع هردو انقلاب با حرکات مردمی،  
وقوع انقباض های سراسری و بالاخره  
رویارویی و درگیری مستقیم مردم با یک  
ارتش مسلح همراه بود. تشکیل حکومت  
جدید در کنار رژیم در حال زوال گذشته،  
وجه نشانه دیگر در نحوه دگرگونی ایران  
و نیکاراکونه می باشد. سؤال این است  
که این شباهت های ظاهری تا چه حد  
می تواند بیانگر سروش های یکسان این  
دو انقلاب باشد. بررسی تصمیم گیریهای

دردمین نماز جمعه در دانشگاه تهران آیت الله طالقانی گفت:

# حمله به جلسات، میتینگها، کتابخانه ها و پاره کردن اعلامیه ها عملی غیراسلامی است

در دومین جمعه ماه رمضان زبیر  
آفتاب گرم ظهر، جمعیت صدها هزار نفره  
مردم، برای وحدت هرچه بیشتر در صحن  
دانشگاه صف بستند.  
مردم با تکرار شعارهایی از قبیل:  
" آمریکا، آمریکا، برشته گردادت"  
- حمایتی بت شکن رهبر انقلاب است و  
" اسلام پیروزی است - ارتجاع نابود است"  
بیرون ضد امپریالیستی خود را مستحکمتر  
نمودند.  
ابتدا آقای مهندس یارکان در یک  
سخنرانی غیررسمی، از گذشته دانشگاه تهران  
صحبت کرد. و اینکه هدف بنیان گذار  
دانشگاه تهران مخالفت با اعلام بوده،  
و اکنون به ضد آن تبدیل شده است.  
ایشان پس از بیان سوانح مبارزاتی  
آیت الله طالقانی، از مسجد هدایت که  
به همت ایشان و چند رزمنده دیگر در  
زمان طاغوت اداره میشد، بعنوان پایگاه  
اولیه حرکت های اسلامی با ابعاد سیاسی -

## هدف از تشکیل سورا و وظایف محوری آن

روابط و نهادهای شورایی (قسمت سوم)  
● سوراها یک اقتصادی و مستحکم رابیه برزی می کنند.  
۱- حق نظارت بر تهیه مواد اولیه  
و تولید و توزیع کالا و قیمت گذاری.  
۲- حق نظارت بر امور اداری و  
مدیریت.  
۳- حق نظارت بر تعیین دستمزدها  
و درآمد کارکنان و تأمین امور رفاهی آنان.  
۴- وظیفه رسیدگی بمسائل سیاسی،  
اجتماعی و فرهنگی کارکنان.  
بقیه در صفحه ۳

## آیا ارتش در قبال خلقها به سیاست شاهنشاهی باز می گردد؟

● موضع گیری ارتش در رابطه با ملت شاهنشاهی  
یونون است  
سیاستهای ارتش شاهنشاهی در قبال  
خلقها  
واقعاً مربوط این سؤال را در ذهن  
دیدیم آورد.  
" آیا باز هم نباید عاهد سرکوب  
خلق توسط ارتش باشیم؟ " بی شک این  
سؤالی است که اینروزها، لافاقل بارها  
از خود پرسیده ایم. بنظر میرسد این

## دیدگاههای اپدولوژیک مجاهدین خلق برداشتنهایی از نهج البلاغه (عمدتاً خطبه های ۹۱ و ۱۹۶)

## امام علی بخاطر جذب افراد و نیروها امتیاز میدهد

چندی نگذشت که انحراف از خط اصولی  
آغاز گشت. انحراف در ابتدا عیلمی  
جزئی و بسختی قابل تشخیص بود.  
ضمیم این انحراف عدول از نقطه نظر  
های توحیدی و سنت قاطع و صریح پیامبر  
در زمینه جلوگیری از پیدایش و شکل  
گیری طبقات ممتاز و استثمارگر بود.  
نخستین شکل بروز این گرایش انحرافی  
این بود که راه برای ترویج شدن اقلیت  
خاصی باز کرده شد. بعداً در تقسیم  
بنت المال نیز برای کسانی که سوانح  
طولانی تر و مشخص و قریب هنایی با  
رهبران امت داشتند امتیاز ویژه ای در نظر

دولت انقلابی ساندی نیست و مقایسه  
آن با خط مشی اتحادی دولت موقت  
انقلابی ایران. روزهای نخست پیروزی،  
تفاوت فاحشی را نشان می دهد. سر -  
لوحه کار و برنامه اعلام شده در کشور  
ما. پشت سر گذاشتن یک دوره انقلابی  
بود از طریق یک همپرسی، تدوین  
قانون اساسی از طریق به تصویب رساندن  
آن در مجلس مؤسسان منتخب ملت و  
بالاخره برگزار کردن انتخابات مجلس  
که بروی کار آمدن یک دولت قانونی  
منجر شود. این برنامه ای بود قبل از  
بند گرفتن قدرت (کیهان ۱۷/۱۱/۵۷)  
یعنی در حالیکه شور انقلابی مردم در  
اعلا در چه قرار داشت و پتانسیل  
انقلابی جامعه برای انجام هر عمل  
انقلابی وجود داشت، تمامی برنامه  
کار با وجود پشتیبانی ملوئی توده ها  
یک تغییر در شکل حکومت اعلام شد.  
حتی وقتی در باره برنامه کار جمهوری  
اسلامی نیز سؤال شد (کیهان ۲۷/۱۱/۵۷)،  
پاسخ فقط در باره خطوط بسیار کلی و  
دیدگاههای آرمانی و انتزاعی بود. در  
حالیکه برخورد انقلابی حکم می کرد که  
دولت موقت انقلابی برنامه کوتاه مدت  
بقیه در صفحه ۲

## آیه الله طالقانی در سفارت فلسطین همبستگی خلقها جاودانه باد



در شامگاه روز شنبه ۵/۵/۵۸  
میهنایی افطار سادامی در محفل دفتر  
سایندگی جبهه آزادیبخش فلسطین در  
تهران برگزار بود. در این میهنایی آیت  
الله طالقانی، سفیران الجزایر، سوریه و  
نونس، نماینده جبهه آزادیبخش ارتزیه  
و همچنین سعود رجوی همراه با بانی چند  
از برادران معوز سازمان میهن هائی -  
الحسن نماینده انقلاب فلسطین در ایران  
بودند. که ضمن آن گفتگوهای مفید و صحت -  
هائی جالبی جریان داشت.  
حضور میهنان ایرانی بخصوص  
حضرت آیت الله طالقانی در این میهنایی  
در خور توجه بود. و قدرانی از سردی  
میمود که در خوارترین و سیه اشرفین سالها  
خود را به عنوان بیکرترین مبارز ضد  
صهیونیسم و ضد امپریالیسم و پرترترین  
حامی خلق مستضعف فلسطین در ایران  
شناخته شده است.  
در طول سالهایی که مناسبات ویژه  
و بسیار نزدیک رژیم فاشیستی شاه خاشن  
بقیه در صفحه ۱۱

# آبایارقتش ....

بقیه از صفحه ۱

چشم برهم میگرداند ، براحتی صدای هواپیماهایی را که برای آنها سرگ و نیستی و غرابی بارانبار میآوردند ، به خاطر میآورند ، هنوز تنگ جنابیات اویسیها که بهاسی این خدمتانشان به پیشگاه عاری از مهر به مراتب بالای ارتقا یافتهاند پاک نشده است ، و هنوز از محل به خاکافغانان شهیدای خلق گذرند ، از فاضی محمدها گرفته تا سلا آواره ها و شریفزادهها خون میجویند . در جریان انقلاب اخیر نیز شاهد جانفشانیهایی فراوان خلق کرد در کنار مبارزات خلق قهرمان ایران بودیم .

## اولین آزمون ارتش جمهوری اسلامی

از همان ابتدای پیروزی انقلاب ، زمانی که هنوز آثار اولین لجنخند های ناشی از شکست دیکتاتوری و بیرون رفتن دشمن ، از لاسها محو نشده بود ، ارتش در واقع ، سندج ( ۱۲/۲۹ ) جنگ و دندان نشان داد . زمانیکه خلق کرد با امید فراوان چشم به دستاوردهای انقلاب تازه دوخته بود ، و انتظار پایان یافتن مصیبتها و فشارهای اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی طولانی را داشتند ، بفرمان رئیس ستاد وقت ارتش جوابی دگرگونی نداشتند .

دوساره سرباز در برابر سردم قرار گرفت ، و همان رابطه قدیمی برقرار

# آبایانقلاب نیکار اگونه ....

خود را نیز به مردم عرضه کند ، مجاهدین خلق ایران موقعی که چنین برنامه حداقلی از جانب دولت ارائه نشد ، به تدوین و انتشار انتقارات مرحلهای خود از جمهوری اسلامی پرداختند ، گرچه این عمل از جانب مجاهدین در آن مرحله تنها به آمادسازی ذهن تودهها می توانست کمک کند نه به برنامه دولت موقت انقلابی !! اما دولت موقت نیکار اگونه تغییرات انقلابی جامعه را اصل گرفته ، و انتخابات را به ۳ تا ۵ سال دیگر اجاله دادند . اطلاعات ۵۸/۲/۱۲ آنها در کمتر از ده روز که از استقرار حاکمیتشان گذشت برنامه ، اقدامات فوری خود را اعلام کردند . بررسی محتوایی دولت موقت انقلابی نیکار اگونه را بر اساس برخی از اسواد برنامهشان با کارنامه اقدامات دولت موقت ایران انجام می دهیم .

## عقایسه برنامه حداقل دولت نیکار اگونه با کارنامه عمل دولت ایران

۱- سردم مورد سایل ارضی : برنامه اقدامات فوری دولت انقلابی نیکار اگونه چنین می گوید :  
" دیگر هیچکس نخواهد توانست از طریق بهره مالکانه با اجاره بیسای زمین و یا از راه قیمت زمین جیب خود را برون کند " تمامی املاک و زمینهای خاندان سوموزا و افسران علیرتبه ارتش بین دهقانانی که بی زمین اند و تمام کسانیکه مایلند روی زمین کار کنند تقسیم خواهد شد " در قبال برخورد انقلابی دولت موقت نیکار اگونه با مسئله ارضی ، سکوت دولت موقت انقلابی ایران در مورد زمین از ابتدا تا بحال ادامه دارد . و

گشت ، انتظاری که از مبارزه ضد - دیکتاتوری گذشته صرفت ، این بود که در این مرحله قاعدتا " میبایست حق تعیین سرنوشت مردم از طریق خود آنها ، محترم شمرده شود . چراکه این مسئله چه بلحاظ ایدئولوژیک ، چه به لحاظ سیاسی برای خلق ما از اهمیت خاصی برخوردار است . اما بطور کلی این حق و این خواسته مشروع نادیده گرفته شد ، و بجای آن کلوله و نارنجک و خسیاره عطا شد .

ارتقا ایدئولوژیک برخورد علی (ع) با این مسئله و توسعه او به مالک اشتر در مورد شیوه روبرویی با مردم بسیار آموزنده است . امام علی می گوید :  
" ... لا تکتون علیهم سیما فاربا " تفتنم و اکلمهم ، فانهم صفان : اما اعل لکفی الدین ، و اما نغیر لک فی الخلق ... " یعنی " ما با نسبت با شما چون جانوری درنده خوردنشانرا نغیرت دانم ، که آنان دو دسته اند : با تو برادر دینی اند و با تو آفرینش همانند شو هستند ... "

ولی با دخالت بجای ارتش در مسئلهای که اساسا " راه حلی نظامی برای آن تصور نیست ، چون نزدیک شدن جرقهای به انبار باروت ، آنها غلغله و بحران آغاز شد . دهکده ها و روران شدند ، مردم از بالا توسط هلی کوپترها به کلوله بسته شدند ( ۵۷/۱۲/۲۹ ) و حتی از گارد شاهنشاهی سابق برای سرکوب مردم استفاده گردید . تا بقبول خودشان برای پاک کردن برهنه شان از

## بقیه از صفحه ۱

این درست در حالی است که اکثر درگیرها و برخورد های این مدت در کردستان و نرده و ترکمن صحرا و ... ریشه در این امر دارد .  
۲- مسئله ملی کردن : دولت موقت نیکار اگونه در مورد ملی کردن معادن می گوید :

" کلیه معادن به خلق واگذار خواهد شد ، و کارگران معادن در اداره آنها شریک خواهند شد . زندگی تمام کارگرانی که در معادن فدای استثمار ظالمانه شده و اینک بیمارند و یا به گدایی افتاده اند فوراً تأمین خواهد شد " دولت ایران پس از چندین ماه بانکه و برخی از کارخانجات وابسته را ملی اعلام کرد . اما آنچه ملی کردنیهای دولت ایران را بی محتوا میسازد آنست که بر خلاف نیکار اگونه ، کارگران و کارمندان نقش در اداره موسسات و کارخانجات ملی شده ندارند . مسئله ای که جوهر مسئله ملی کردن در این مقطع تاریخی میهن ما می باشد .  
۳- برنامهم حداقل دولت نیکار اگونه می گوید :

" کلیه قوانین و مقرراتی که با حقوق کارگران مغایرت و منافات داشته باشد ملی خواهد گردید " در ایران از ابتدا تمامی قوانین قبلی تنفیذ و رسماً اعلام شد . و لغو همه قوانین که بر آن پایه رژیم جابر شاهنشاهی استوار بود موقوف به روی کار آمدن دولت قانونی از راه مجالس قانونگزاری گشت .  
۴- در مورد شوراها : ساندنیستها می گویند :

جنابات گذشته ، بازار هر یکفتری که قبل از انقلاب کشته بودند ، یکی هم اینجا بکشند . ولی خوببختانه با یا در مابین آیت الله طالقانی و تشکیل شورای محلی و احاله امور به آن تا حدودی بحران موقتا " فروکش کرد . گرچه در حین انجام مذاکرات هم ، برای قدرتمندی هواپیما ها را به پرواز درآوردند و حتی کردند مانع انجام مذاکرات شوند . ولی یکبار دیگر ثابت شد که تنها راه حل مسئله ملیتها راهحلی سیاسی است و نه نظامی . بهر حال درست است که موقتا " مسئله حل شد ، ولی اولین سنگ بنای تجاوز ارتش به حقوق خلقها نیز در اینجا گذاشته شد .

## سیاستهای گذشته دنبال میثور

مقام های تصمیم گیرنده در سطح ارتش و بطور مشخص فرید رئیس ستاد بعدی ارتش ، در مواجهه با ناراضیهای فراوانی که این اولین آزمون ارتش ایجاد کرده بود ، تاکنکت تازه ای بکار بستند . بدین ترتیب که بجای قراردادن یکباره ارتش در برابر مردم ، می توان آنها را پشت سر پاسدارها که از وجهه و حیثیت بیشتری بین مردم برخوردارند ، پنهان کرد . تجربه نشان داده بود ، کینه ای که مردم از ارتش بدل دارند ، عمیقتر از آنست که باین حدنگی از بین برود ، از طرف دیگر اعدام های انقلابی اوایل پیروزی ، مخصوصاً " در مورد فرماندهان و نظامانی که دست خود را به خون مردم آلوده کرده بودند ، تنور انقلاب را گداخته نگه می داشت و مانع از توطئه های جدید

کلیه پیشهوران ، کارمندان ، مستخدمین و استادکاران بدون هیچگونه محدودیتی حق دارند آزادانه اتحادیه صنفی خود را تشکیل دهند ، و این حق آنان تضمین خواهد شد . حکومت ساندنی نیستی اتحادیه ها را تشویق خواهد کرد ، تا از این طریق کارگران و زحمتکشان بتوانند از دستاوردها و حقوق خود دفاع کنند . " در مورد سایل منطقه ای و محلی " اهالی محل مشکل خواهند شد و خود به تمام مسائل مربوط به محله " خود خواهند پرداخت "

در ایران با وجود طرح شوراها از طرف آیت الله طالقانی و حکم امام خمینی در این مورد ، بر سر اجزای آن کارکنی صورت میگیرد و میروید به بونه " فراموشی سپرده شده ، و حتی در جاهایی که فرار بوجود آمده است در خطر تعطیل قرار گرفته است .

ریشه ضعفهای دولت موقت ایران قضاوت در مورد آینده " نیکار اگونه همچون قضاوت برهر جامعه دیگری به سبب پیچیدگیهای خاص جوامع بشری مشکل است . اما با توجه به قانونمندیها و تجارب انقلابی خلقهای دیگر در موقعیت های انقلابیشان ، میتوان گفت که تصمیم گیریهای دولت انقلابی ساندنی نیست سرنوشت ریشتری را برای خلق نیکار اگونه بارمان خواهد آورد . سرنوشتی که چه بسا خالی از نوسانات و کششهای ناموزون وقایع ایران خواهد بود . رهبران ساندنی نیست گویی با روشن بینی طریقی واقع گرایانه را انتخاب کرده اند ، طریقی که در دوره چندین سال مبارزه انقلابی آنها ، آبدیده شده و در دو سال اخیر با بسیج و حمایت توده های ارتقا یافته است . خلق نیکار اگونه دریک جبهه

میشد ، ترس از گرفتارشدن به آتش خشم و غضب تودهها ، توطئهگران و دسیسه چینان را از حرکت باز می داشت .

## نقش تعیین کننده پرسنل آگاه و مبارز ارتش

مهمتر از همه اینکه برستا ، ساز و آگاه ارتش دیگر زیربار اطاعت کورکورانه و قتل و غارت هم سپندان خویشی نمی رفتند . آنان به هیچ قیمتی حاضر نبودند رودرزی مردم قرار بگیرند . قطننامه " درجه داران نیروی دریایی رشت ، هنگامی که فرماندهان ارتش سفول اعطای درجه و نشان و دلگرم کردن و آماده نمودن نظامیان برای استفاده از آنها نبودند ، از گویاترین نمونهها در این مورد است : " ما بدین وسیله اعلام می داریم تحت هیچ شرایطی به روی مردم منکبت آتش نگذوده ، و به هیچ عنوان در کشکتهای درون مرزی دخالتی نکرده و فقط از مرزهای کشور مرزبان تا پای جان پاسداری و دفاع خواهیم نمود . به هیچ وجه و عنوان و تحت هیچ شرایطی اجازه نخواهیم داد شوراها یا دادگانی لغو شود . زیرا معتقدیم در صورت نبودن شوراها ، اطاعت کورکورانه و ظلم و ستم دوران طاقت دویاره احیا خواهد شد . ... " ( آبدنگان ۲۳ خرداد ۵۸ )

پس از آسم مکرراً " بر ضرورت استفاده از ارتش ، صرفاً " در مسائل بیرون مرزی ، از جانب کلیه اقشار آگاه ارتش مورد تأکید قرار گرفت . ولی در همد دران شاهد تلاشهای سازمان یافته متحد بر حول محور ساندنی نیست ها ، درگیر یک مبارزه توده ای مسلحانه بود ، و بنظر می رسد تصمیم دارد تا نظام منقط سوموزا را از بنیاد براندازد . ساندنی نیستها پس از پیروزی و به محض ورود به مرکز کشور انحلال گارد ملی سوموزا را اعلام می کنند در حالیکه در اینجا بلا فاصله پس از پیروزی در بهمن ماه گذشته اعلام میشود که " نظام موجود را بهیوای نظامی که جانستین آن نشده بهم نزدیک " ( کیهان ۵۷/۱۲/۱ )

رئیس دولت موقت ایران قبل از پیروزی و در نقطه اوج انقلاب اعلام می کند : " سوروزان عزیز توصیه می فرمودند که مانند یک جوان ۴۵ ساله صحبت کنم ، از موضع قدرت حرف بزنم ، اما چه میشود کرد ... چرا با داشتن قدرت عظیم منبعت از اراده تودهها و حمایت بهدینغ مردم اینگونه برخورد میشود ؟ تشبیه دولت موقت به اتوموبیلی که نیاز به یک جاده صاف و بی دست انداز دارد ، دلیل دیگری ندارد جز اینکه رهبری جامعه انقلابی بازی است غیرقابل تحمل بر دوش دولت غیرانقلابی ، که خود صادقانه باها اذعان و اعتراف کرده است . آنهم در شرایطی که انقلاب به انکاه نیروی خلق آماده عبور از جاده کوهستانی و برنشیب فرازی است برای رسیدن به قله پیروزی محتوم بر امپریالیسم و ستم طبقاتی . لاجرم پذیرش دولت بدلیل نبودن تشکیلات منسجم - همانگونه که شاهدش بوده و هستیم از جانب تودهها قبول اجباری است که مصادف و مشکلات متعدد را می آفریند . در نهضت اخیر ایران تودهها همواره بیشاپیش رهبران حرکت کرده و آنها را بدنبال خود کشیدماند . بهمین جهت تا کنون که در ششمین ماه پیروزی بر رژیم فاسد سلطنت

و فرایندهای هستیم که حسی دارند ، رستههای روبروایی ارتش با مردم را فراهم کنند . حسی می شود با جلوه دادن خواستههای خلقها بحورت تجربه طلبی و غیرقابل حل جلوه دادن مسئله ملیتها ، چنین وانمود کنند که یک ارتش قوی و بزرگ می تواند این مشکل را یکبار و برای همیشه حل کند . با منقلب آرزوهای چینی می سپایند که گویا منطقی چیر چاقی ندارند .

## ارتش صحنه های جدید میافریند

از طرف دیگر با پافشاری و پایداری که خلق ما برای حفظ دستاورد های انقلاب و پابسی گرفتن پایگاههای امپریالیسم و عبیراندن او از اسیران سوموزا دارند . از اصطکاک و برخورد بین مردم و ارتش صحنه های بوجود می آید که شباهت بسیاری با دوران قبل از انقلاب دارد . از آنجمله آبتادگی مردم کامیاران در برابر نانکها ، ونشستن آنها در مسیر حرکت زرهیو تنها ، و آمادگیشان برای پذیرشدن مرگ ، بنحو شکست انگیزی خارطه ۱۷ شهریورها و از جان گذشگیهای مردم قبل از انقلاب را رنده می کند . متأسفانه شواهد تازه نیز نشان می دهد که این عملیات نه برای مانور و ترساندن مردم ( که البته این هم خود بسیار جای حرف دارد ) بلکه این دخالت شوم و بدفرجام هر روز ایضا د وسیتمری می باید ، و خطر برخورد های تازه تر و بیشتر را افزایش می دهد . جا دارد که بتمام های ستول مرچه برهتر و صریحتر نظر خود را در برابر خواستههای مشروع خلقها بیان کنند . و نیز شخصی کنند و وظیفه ارتش در جمهوری اسلامی چیست ؟ و یک کلام اینکه آیا هنوز حق کشتار مردم بیگناه برای آن محفوظ است ؟ گرچه تا بحال تمام شواهد و دلایل حکایت از تأیید ضمنی این امر دارد . چرا که این سوالات برای همه مردم و نیروهای انقلابی مطرح است که آیا خلقها دوباره قربانی سفاکیهای ارتش خواهند شد ؟ آیا در قبال آنها نار هم باید از همان شیوه های آریامهری بهره

حست ؟ آیا نظامیان و پرسنل ارتش حاضرند دوباره دست خود را به خون هم میپندان خویش بنالینند ؟ آیا فرماندهان و زنیالهای جدید ارتش خارطه دادگاههای انقلاب را فراموش کرده اند ... به هر صورت وضعگیری های ارتش در رابطه با خلقها و بطور خاص در مورد مسئله فقلی کردستان مهمترین است عین کسده ترین صحنه آزمایش است برای حقانیت یا عدم حقانیت ارتش جدید ، و بهترین محک است برای مردمی بودن یا عدم مردمی بودن آن .

هستیم . دولت دایما " از فشار نیروهای گوناگون در شکایت و عذاب است . نیرو - های که انحراف از انقلاب و اجتناب و فرار از روبروایی با دستن اصلی را نمی پذیرند . تنها یک هفته پس از پیروزی در مطبوعات نوشته شد " نیروهای انقلابی دولت را تحت فشار قرار داده اند " ( اطلاعات ۵۷/۱۱/۲۹ ) و با رئیس دولت موقت اعلام کرد " مردم باید به دولت مهلت بدهند " ( اطلاعات ۵۷/۱۱/۲۳ ) گروههای افراطی جلو کار دولت را می گیرند " ( آبتسدگان ۵۷/۱۱/۲۹ ) مطالب بالا نشاندهنده بقیه در صفحه ۹

# هدف از تشکیل

بقیه از صفحه ۱

● آن تصمیمی معتبر است که از تأیید و حمایت شوهرها برخوردار باشد.

بحر نظارت بر تهیه و تولید و توزیع و قیمت گذاری؛

میدانیم که در اسلام اقتصاد و معاش وسیله است اما وسیله ای لازم و ضروری در رده های مختلف و رشد و شکوفایی و بزرگبختی های انسانی. در جهت خلیفه الهی شدن. در حالیکه سرمایه دار بنابر نیاز جامعه و اکثریت محروم آن سرمایه گذاری نمیکند، بلکه بنا به اقتضای منافع خود سرمایه گذاری کرده و تولید میکند. مثلاً صنعت مونتاز برای سرمایه دار مصرف تراست، ولی برای کشاور و ضعیف ترین اقشار جامعه بیابار است. و دلیل آن خیلی ساده است، چون قیمت های حاکم بر این منابع مونتاز تابع بازار جهانی است و بازار جهانی در خدمت امپریالیسم جهانی است و آنها تولید و قیمت را بنوع خود و نظام مصادراتی سرمایه داری تعیین میکنند. و این حق طبیعی و مسلم کارگران و کارکنان کارخانه ها است که مانع از استثمار خود و سایرین شوند، و در نظارت و هدایت تولید شرکت نمایند. همانکه تابع منطق سرمایه داران است که میگویند شو کارگر را بگریز بولت را بگیر و کاری به این کارها نداشته باش. در نتیجه انسان رحمتکش را به میرمای تبدیل کنند. این حق است که سندیکا در اختیار کارگر نیکدادر و می-بشم که سرمایه داران سندیکا موافقت بیشتری نشان میدهند. اما حالیکه شو را با قدرت گرفتن این قدرت یک اقتصاد ملی و مستحکم را پایه ریزی میکند. البته نقش هماهنگی بین انواع تولیدات و نحوه توزیع و رابطه قیمت ها و هزینه های عمومی با دولت است. این نظارت کارکنان حل کننده بخشی از آن هماهنگی است که یا توجه به شکل فعلی مدیریت بر کارخانجات الزامی و ضروری است. و منفع رحمتکنان و مستمعان جامعه ما مساند. شوها همین نظارت بر توزیع کالاها و قیمت گذاری منطقی و عادلانه کالاها بر اساس احتیاجات بخشهای مختلف مملکت چه روستا و چه شهر برعهده میگیرند. و از قیمت های عادلانه دفاع میکنند و با کرایه های نفع طلبانه در توزیع مبارزه میکنند البته در قسمتهای دیگر خواهیم گفت که ارتباط بین شوها در امر کنترل و ایجاد هماهنگی لازم جز وظایف شوها نیست. نکته ضروری در زمینه نظارت بر تولید و توزیع اینست که منظور از نظارت حق کنترل است. یعنی که هر تصمیم گیری موثقی اعتبار است که از تأیید و حمایت شوهای کارکنان برخوردار باشد.

● حق انتخاب و نظارت بر امور اداری و مدیریت؛ نظری اجمالی به وضع مدیریت در کارخانجات ما را به اوضاع انگلیسی آشنا میکند. دستگاه های عربی و طویس اداری و میندال آن کاغذ بازی و رنجست و بازنه های بنمورد و بنام و... که همعانتی نه تنها امکان رشد یک مدیریت صنعتی سالم را از بین برده بلکه ترمز بزرگی برای صنایع مانند هاست و زورگوشی و احیای ورشو خواری و در نتیجه وابستگی به کشورهای امپریالیستی را بدینا آورده

است. مهربان با پدایان زمان دادن نیروها در یک کارخانه از استعداد های مختلف در جاهای مختلف استفاده کنند. نه اینکه حاکمان مطلق العنان و ایجاد کننده روابط ظالمانه و ضد انسانی باشند. و منافع سرمایه داران وابسته به امپریالیسم را که کارگران شهرکشی بیشتر از کارگران محروم میباشند است تا منافع کنند. همین مدیران وابسته و نمایندگان کارفرمایان بودند که در کارخانجات شیوه های امپریالیستی و روشهای ضد مردمی رژیم شاه را اعمال میکردند. اداره حفاظت و توتوی کارگران خیرجس و ایجاد فاصله شدید بین کارگر و کارمند از نتایج آن نظام بود. قدرت طلبی و انحصار طلبی که اصول مدیریت و استقامت، شیجهای جز تریکز ناچای تصمیم گیری در دست مدیران بدون صلاحیت نداشت. که اغلب آنها را بین افراد وابسته به رژیم خونخوار پهلوی انتخاب میدادند. در بسیاری از کارخانجات نجات هنوز تعقیبه کامل صورت نگرفته و تنها با تغییر رنگ و با اصطلاح حمایت از رحمتکنان بعضی خدمتگاری خود ادا می دهند. لذا این خطر هست که اقتصاد ما در جهت انقلاب حرکت نکند و با اینکه مانند گذشته کارکنان کارخانجات و صنعت های تولیدی کار را از آن خود نداشتند. در نتیجه نوبت به تولید و رشد آگاهی و حرفه ای شدن بی تفاوت میماند. لذا از بین بردن نظام ظالمانه گذشته در کارخانجات و کمک به ایجاد روابط سالم در کارخانه ها برای بالا بردن تولید و رفاه کارگران، در صورتی امکان دارد که انتخاب مدیران با نظر شوهای کارکنان باشد. همین این شوها بر نحوه کار آنها نظارت داشته باشند. تا هم در تصحیح شیوه مدیریت بت گذشته نقش خود را ایفا کرده باشند و هم جلوی سوء استفاده های احتمالی در مدیریت گرفته شود. و هم تفاهم لازم بین مدیریت و کارگران ایجاد گردد.

● حق نظارت بر تعیین دستمزد و درآمد و امور رفاهی؛ همانظری که گفتیم منافع طلبی روحیه حاکم بر سرمایه داران است. بسیاری از ناسلاماتی ها و اختلافاتی که در زندگی امروز انسانها دیده میشود ناشی از همین سیستم سرمایه داری است. این نظام باعث بوجود آمدن این روحیه در دیگر اقشار جامعه نیز گردیده است. در واقع خطری است که انسانیت را تهدید میکند. بقول برادر شهیدمان محمود عسکری زاده: "سیستم سرمایه داری بزرگترین سد راه تکامل یعنی سد راه خداست. (الذین یحذون عن سیئ اللسه ...)" بزرگترین خدمتی که متوانیم به بشریت بکنیم، اینست که نه تنها این سیستم است. سنتی که در آن عده معدودی مالک ابزار تولیدند و با تقسیم جامعه بدو دسته فقیر و ثنی، نه تنها خود در مسیر آفرینش کام برنمیگردانند، بلکه از رفتن دیگران هم جلوگیری میکنند. " شوهای کارکنان و سرمایه داران وابسته همیشه سعی برای این داشته اند که مزد کارگر را فقط بر اساس میزان بخور و نمیر تعیین کنند. در حدی که از یک طرف کارگر نتواند با زحمات کارکنان کارکنان سرمایه داران به ترو تروهای انباشته تر دسترس پیدا کند. و از طرف دیگر نتواند مانند تارو زرد و روزهای دیگر مجبور باشد کار کند. در زمینه مزد و حقوق چون برادران و خواهران کارگر اشتنا از هر کسی دیگر به این امور

هستم. و نظارت بر تعیین آنرا حق شوهای کارکنان میباشد. با ارزش کار در رابطه مساند و حمله علیه مستود در واقع همان بیان قرآن میباشد: " کین لک انسان الا ماعی " (هر کسی صاحب دسترخوتی است) می بایست مبنای تعیین دستمزد قرار گیرد. این حق مسلم و اصلاحی زمانی ممکن میشود که شوهای کارکنان ناظر بر تعیین مزد باشند. تا از یک طرف حقوقی از دست رفته کارگران را به آنها برگرداند. و از طرف دیگر اجازه ندهد تا بعضی مفتخوران و وابستگان به سرمایه داری جهت بدون کار مفید دسترخوت کارگران را جیب بزنند و آن را مصرف میگویند و توتوی برسانند. همینطور در مورد سایر درآمدها و

## گزارشی از اردوی عمرانی - آموزشی روستای "بوقندا کنده"

### بازوان توانای جوانان پرشور هرگونه ستم و نابرابری را از میان میبرد

بوقندا کنده روستائی است در ۳۵ کیلومتری جنوب غرب رنجان در مسیر جاده "بجارج و در مجاورت روستای گل تپه. این روستا که در میان روستاهای اطراف خود از اهمیت و آبادی بیشتری برخوردار است عملاً "حالت مرکزیتی نسبت به روستاهای اطراف پیدا کرده است و راهی که این روستا را به شهر متصل میکند راه صفت العبوری است که در زمستان بجز با چارپایان و تراکتور قابل عبور و مرور نیست این روستا حدود ۲۵۰ خانوار و ۲۵۰۰ نفر جمعیت دارد که میمانند سایر روستاهای مینهمان از شرایط اقتصادی، اجتماعی و تناسی برخوردار نیست. مسالها جزو و سنتی که به بن وجود حکومت آریامهری بر طبق ستمدیده، مارتفاست در این روستا بنحو چشمگیری خود را نشان میدهد.



این همه ناسلامتی را در پیام بهر حال بدلیل مسئولیتی که بر عهده همه برادران است، اوضاع روستای فوق مورد توجه قرار گرفت. و مقدمات ساختن یک مرکز بهداشتی روستائی فراهم گردید. از حدود ۴ ماه پیش ساختمان آن مرکز شروع شد. از حدود ۵۰ روز پیش که اقدام به تشکیل اردوهای عمرانی نمودیم حدود ۲۵ نفر از برادرانی که در این اردوها شرکت کرده بودند، برای تکمیل ساختمان و همکاری با سایر برادران به روستای بوقندا کنده اعزام داشتیم. تا فعالانه در جهت اتمام ساختمان بکوشد. در حال حاضر کارهای زیر سازی ساختمان پایان گرفته و فقط بخشی از کارهای روستا از قبیل کاشی کاری و تاسیمانی ارفیسل لوله کشی و برق کشی باقی مانده است. بقیه در صفحه ۴

بوقندا کنده روستائی است در ۳۵ کیلومتری جنوب غرب رنجان در مسیر جاده "بجارج و در مجاورت روستای گل تپه. این روستا که در میان روستاهای اطراف خود از اهمیت و آبادی بیشتری برخوردار است عملاً "حالت مرکزیتی نسبت به روستاهای اطراف پیدا کرده است و راهی که این روستا را به شهر متصل میکند راه صفت العبوری است که در زمستان بجز با چارپایان و تراکتور قابل عبور و مرور نیست این روستا حدود ۲۵۰ خانوار و ۲۵۰۰ نفر جمعیت دارد که میمانند سایر روستاهای مینهمان از شرایط اقتصادی، اجتماعی و تناسی برخوردار نیست. مسالها جزو و سنتی که به بن وجود حکومت آریامهری بر طبق ستمدیده، مارتفاست در این روستا بنحو چشمگیری خود را نشان میدهد.

حای سی تاسف است که در کوشی با اینهمه امکانات، با اینهمه مادن و منابع و با این سرمایه های بی گران، روستاهای رانی بنیم که نه حمام دارد و نه بهداشتی نه آب، نه برق، و حتی نه غذای کافی و... در برخورد با اهالی این روستا نیز در بدو ورود متوجه همه این مشکلات و مشکلات بسیار دیگری می شویم. در این مشکلات اهالی این روستا می توان گفت سالها بهداشت و امکانات پزشکی است. در واقع این روستا و روستاهای اطراف فاقد هر گونه امکان پزشکی است. کوچکترین بیماری اگر توسط روستائیان که خود کوه پستی و پشته های گیاهی و طبیی آشنائی دارند (که مقدماً آنها بسیار اندک است) (معالجه نشود بایستی با بیمار را بحال خود رها کرد و یا این که با تحمل مشقات بسیار زیاد او را روانه شهر نمود.

مزا و امور رفاهی شوها باید نظارت مستقیم داشته باشد. و ضوابطی برای این کار تعیین کند. تا هرگز، بر اساس میزان فعالیت جسمی که در تولید داشته شود پاداش و مزاها گردد. تنها در اینصورت است که متوازن جلوی جیبا و لکری های انگلیهای جیره خوار وابسته به سرمایه داری و امپریالیسم در تمام اشکال آن گرفت. و وظیفه رفاه بخشی به مسائل سیاسی - اجتماعی و فرهنگی کارکنان یکی از اساسی ترین هدف های شوها بالابردن و رشد آگاهی سیاسی اجتماعی و عقیدتی کارکنان است. این وظیفه مقدس بخصوص در این مرحله از انقلاب ما و با توجه به آثار سوء دوران استبداد گذشته از اهمیت زیادی برخوردار است. از طرفی بایدست حیران عقب ماندگیهای فکری گذشته را نبود، و از طرف دیگر برای ادامه مبارزه ضد امپریالیستی از هر لحاظ مجیز شد.

باید از گردن کلاهای آموزشی سیاسی و ایدئولوژیک، مخصوصاً با تشکیل انجمنهای فرهنگی و تربیتی و فرهنگی و تئاتر، فیلم و اسلاید، چاپ و پخش اعلامیه و پوستر و کتب مفید در میان کارکنان - بایستی آگاهی آنان را به سطحی برساند که راه اصولی و صحیح خود را از میان جریانات گوناگون موجود تشخیص دهند. ضرورت رسیدگی به این مسائل در این شرایط که افکار استرجافی سرمایه داری بزرگ در اشکال مختلف سعی در انحراف کشاندن مبارزات کارگری دارند از اهمیت بیشتری برخوردار است. تنها با ایجاد ایدئولوژی، روستاهای کارکنان به خطا و انحراف حرکت جامعه باشد، بلکه علاوه بر آن باید در جریان های سیاسی - فرهنگی جامعه نیز نقش داشته باشند. بطوریکه در پیرو خود به آن حد از صلاحیت برسند که ادارکننده محیط و جامعه خود بشود. در نتیجه مینهمان اندازه که کارکنان چرخ اقتصاد جامعه را میگردانند باید در سرنوشت سیاسی جامعه نیز نقش فعال ایفا کنند. و اگر امروز چنین شرایطی فراهم نیست، باید در کوشش اجتماعی خود، زمینه را برای رشد و بالندگی رحمتکنان فراهم کنیم. شوهای کارکنان ضمن ارائه جهان بینی توحیدی بعنوان جهان بینی جامعه مستضعفین، تلاش میکنند تا کارگران را به حقوقی چنانچه شان کارگران ایدئولوژی آبل مجبوسه شنا کنند. تا از راه مسائل سیاسی جامعه شان آگاه سازند. رسالت و مسئولیت تا میا در زمینه پیاده کردن حقوق عدالت نشان دهند. و رابطه مستضعفین را با استقرار جامعه بی طبقه توحیدی روشن سازند. از نظر سیاسی نیز ضرورت های انقلاب ضد امپریالیستی مردم ما، طبیعتاً تشکیل آگاهانه و رنجبران را لازم دارد. این رسالت و مسئولیت با کارکنان در جهت پیاده سازی گذاری صنایع ملی کام برادران، و در زمینه زمینه تلاش کنند که رگهای وابستگی به امپریالیسم را بشنود و راه مقابله صحیح با جهان خواران بین المللی را در کتند. و آگاهی سیاسی لازم را برای استقرار مبارزه داشته باشند. شوها در این زمینه مسئولیت و وظیفه بوده ای و صدا میسرایی نیستی خود نقش اساسی باید بازی کنند.

### موضع مترقی و.....

بقیه از صفحه ۱۲

در اتحادیه میباید ..

فصل دوم - ارکان اتحادیه :

الف - مجامع عمومی نمایندگان

شوراها

ب - شورای مرکزی

ج - هیئت اجرایی

د - بازرسی

ه - مجمع همگانی اعضا

فصل سوم - مسائل مربوط به انحلال

اتحادیه

همانطور که اگر اسکلت دستگاهی

مقاومت لازم را نداشته باشد در هم می

شکند ، اگر اساسنامه ای توانایی مناسب با

هدفهای شورا یا اتحادیه را نداشته باشد ،

در هم ریخته و به ماملی دست و پا گیر تبدیل

میشود . به عبارت دیگر شکل و محتسوی

اتحادیه بایستی هماهنگ با رعایت

نقشه قوت این اساسنامه رعایت

سازگاری است که در طرح هر تشکلات متر

قی و انقلابی باید به آن توجه داشت

۱- مواد اساسنامه ضامن حاکمیت تمامی

اعضا از پایش به بالا ، در تصمیمگیریها

میشاند . مثلا در مواد ۱۲ ، ۱۵ ، ۱۶ ،

۱۷ و ۱۹ با واگذار کردن نقش اصلی و

تعیین کننده به بنده مجمع عمومی

دیوکراسی لازم ناسن شده است .

۲- از گنجاندن مواد دستورهائیکه

حالتشروعانی ، چندپهلوی غیر ضروری

دارد ، خودداری شده است . بطوریکه ما  
برقراری یک رابطه فعال و کارکنیک بین  
ارکان مختلف و کارکنان جانی برای بر

دانشهای انحرافی مافی نمیکردار .

#### سؤال اساسی

اساسنامه با نقاط قوت آن تا چه حد

در عمل هدفهای اتحادیه شوراها را تأ

مین میکند؟ این را آینده مشخص خواهد

کرد . برخورد های فعال و مسئولانه ارکان

مختلف اتحادیه ، بپای بند بودن آنها به

هدفهای فوق و محتسوی فطنانه و هو

تباری آنان در عمل ، ضامن اجرایی آن

است .

#### پرسی قطعنامه اتحادیه شوراه

قانونی بودن شوراه در مبارزات

خونبار مردم تثبیت شده است

قطعنامه اتحادیه به نام خداوند

در هم کوبیده سنگران و با دورد به

روان پاک شهیدان راه حق و آزادی

شروع میشود . سپس در ۱۹ ماده ،

خواستهای اساسی اتحادیه سراسری

شوراهای انقلاب اسلامی کارکنان

بطور خلاصه و بدینصورت آورده شده

است :

۱- تأیید رهبری امام و سیستم

حاکم (ماده ۱) و محکوم کردن

تلاشهایی که در جهت تضعیف اتحادیه

با شوراها است (ماده ۲)

۲- محکوم کردن تفرقه افکنی در

میان کارکنان کارخانجات از طرف هر

گروه یا دسته (ماده ۳) امید است  
نمایندگان اتحادیه با تکیه بر وحدت  
اجتناب از تفرقه ، محطوف خود را منز  
کرده ، با صبر و انعطاف و گذشت  
هرچه بیشتر از کنار مسائل حاشیهای  
و کوچک بگذرند . و بخاطر تحقق  
اهداف فرمهای و آرمانی خود به تا  
تصادفهای فرمهای کشیده نشوند . با  
درویشان به روان پاک شهیدان راه  
حق و آزادی از سر صدفات و برای  
پاسداری از میراث خون شهیدا باشد

میدانیم که همین شوراها جزئی از  
میراث فدakarهای آنان است .

۲- حاکمیت کارکنان بر سرنوشت

سایسی - اقتصادی و اجتماعی خویش

با اجرای موارد ذیل :

الف - خواست کارکنان دائر بر

برسبست شناخته شدن این اتحادیه و دیگر

شوراها از طرف دولت (ماده ۴) - هر

چند که بنا به قول نمایندگان اتحادیه ،

قانونی و مشروع بودن اتحادیه و شوراها

در مبارزات خونبار مردم تثبیت شده

است . همانگونه که جمهوری اسلامی

فصل از حقوق رژیم شاه با مبارزات

خلق تیرمان از برای قانونی شد

ب - نظارت و شرکت کارکنان

در امر مدیریت شرکتها و مشارکت

نمایندگان اتحادیه در تعیین خط

مشی و برنامه ریزی فعالیتهای سازمان

گسترش (مواد ۵ و ۸) -

ج - تصفیه سازمان گسترش از عوامل

نظیر ایجاد سید کودک در کنار کارگاهها  
و تغذیل ساعات کار به چهل ساعت  
در هفته ، و حداکثر روزی شش ساعت  
در محیط های آلوده و بربمخاطره ، با  
داشتن اولویت این قبیل کارکنان در  
تسهیلات رفاهی و درمانی (مواد ۱۳ ،  
۱۴ و ۱۵)

ج - تدوین هرچه سریعتر آیین نامه  
های مربوط به رسی شدن کارکنان ، و  
تأمین حقوق کارکنان پرورهای و موقت  
بسر مینای تصد ایجاد کار ، با حفظ

سابقه خدمت از نظر بازنشستگی و  
حقوق ایام بیماری . همچنین تأمین  
خدمات بهداشتی و درمانی مجانی و  
سایر مسائل رفاهی برای کارکنان و  
خانواده آنها و استقرار نظام بازنشستگی

عادلانه با توجه به مخاطرات کارگاهی

(مواد ۱۲ و ۱۷)

د - برقراری یک سیستم جدید

ارزیابی حقوق و دستمزد برای تعدیل

آنها در سطح کشور ، و منطبق ساختن

حدافل دستمزدها با سطح تورم ، و

افزایش هزینه زندگی . در شرایط کنونی

افزایش حدافل دستمزد پایه کارکنان به

۲۵۰۰۰ ریال و حداکثر حقوق و برابرا

به ۱۵۰۰۰۰ ریال (ماده ۱۵)

ه - تأمین مسکن کارکنان بویژه

کارگران با پرداخت حق سکن . همچنین

رسیدگی فوری به وضع کارگران معلول

و از کار افتاده ، و بهبود هرچه سریعتر

شرایط نامطلوب و غیر انسانی آنها (مواد

۱۶ و ۱۸)

صنایع و صادره سهام شرکت های

وابسته به امپریالیسم (مواد ۱۱ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۰)

۳- حق نظارت و تأمین حقوق

صلفی و رفاهی کارکنان بویژه کارگران ؛

الف - تشکیل هرچه سریعتر

کمیسیونی با شرکت نمایندگان اتحادیه ،

در سازمان گسترش برای بررسی امور

مالی ، فنی و پرداخت حقوق عقب

افتاده کارکنان کارخانه های که بملکی

در حال رکود هستند . و راه اندازی

جدد و کامل آنها (ماده ۶)

ب - افزایش میزان سرخصی

استحقاقی کارگران به سطح سرخصی

کارمندان . فراهم کردن تسهیلاتی

مصابحه مطبوعاتی در ستاد جاما

### جاما : حکومت برای مردم نه ، حکومت بوسیله مردم آری

### نظام شورایی سیستم انقلابی اداره جامعه

و استعمار را از طرفی ، و پاناساریوری  
دموکراسی ، وحدت و استقلال را از طرف  
دیگر در بطن خود دارد . کما اینکه  
تخریب آنها ، تشریفات و حکومت های جاما  
حول مباحث محورها دور میرود .  
۲- مواضع مترقی جاما در قانون اساسی  
میرود نظیر مشارکت از :

۱- محدود کردن اختیارات هیئت

حاکم ، در سطح همگنی تصمیمگیری -

های شورایی مردمی

۲- قطع ایادی سرمایه داری وابسته

و تملک کردن اموال مردم بختی واقعی

۳- توزیع عادلانه ثروتهای عمومی ،

بعد از برآوردن ساختن سازهای اولیه

مخرومان جامعه

۴- شورایی کردن تمامی رسانه -

های گروهی ، به دور از نفوذ و قدرت

نظام حاکم

۵- آزادی همه افراد ، گروهها و

سازمانها در بیان عقاید خود ، صرف نظر

از مواضع ایدئولوژیکنان

۶- رفع نکات گنگ و قابل تاویل

و تفسیر پیش نویس قانون اساسی .

۷- پیروی از سیاست عدم مداخله

معنی پشتیبانی از جنبشهای رهایی بخش

حلقهای جهان

۸- نقشی صرفا دفاعی و بیرون -

میری بر اساس منابع واقعی مردم سرای

ارتش قائل بودن

۹- انگشت گذاشتن روی اسلامی

عاری از خصائص ارتعاشی تشخ صوفی ،

پیشهاداتی از این نوع همواره

به معنی چنگ انداختن به کلوزامیرا -

لنسم و ارتجاع با انگا - پیروی توده های

مردم و الهامگیری از آرمان با رستنی است .

۱۰- مسلم است که جهانواران بین -

الطلی و در ایران از امپریالیسم برکنار

عصر پنجاهم ۵/۹ را در خانه یکی  
از پیشقدمان وحدت نیروهای مترقی  
مسلمان یعنی "جاما" دویم - جنبش  
انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) در  
حق تشکک بطوعاتی نظارت خود را بر  
قتال قانون اساسی و مجلس خبرگان اعلام  
داشت .

آقایان دکتر ساری ، دکتر نظام -

الدین قهاری و مهدی سکری از شورای

مرکزی جاما پیرامون قانون اساسی و مجلس

خبرگان از نظر جاما صمیمت کردند . و در

این سن جزوه و کتابی حاوی نظرات جاما

در این زمینه پخش شد . و در پایان سه

سوالات خبرنگاران پاسخ گفتند .

با توجه به آنچه گذشت به بررسی

کلی محتوی و اساسی مواضع و طرح نظام

شورایی مطالبی جهت تبیین انقلابی مردم مسلمان

ایران میردازیم . البته برای آشناسی

بیشتر با این مواضع مترقی که این دستور

کنجایش آنرا ندارد توصیه میکنم کتاب

نظام شورایی و جزوه جاما در این زمینه

را مطالعه کنید .

حتی در مخاسیای گذرا بین پیش

نویس قانون اساسی ، و طرح نظام شورایی

جاما ، آشکار است که گام بدانی شرکت

جاما در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ،

بخاطر تقویت نکات مثبت احتمالی و

زدودن جنبه های منفی و مبهم آن است .

و این درایت همان چیزی است که دکتر

ساری در پاسخ یکی از سوالات ما بیان

تصریح کرد .

با توجه به آن درجه از ترقی خواهی

که در طرح نظام شورایی جریان دارد که

نهی کشنده پیش نویس از طرف جاما با سر

جنبه انتقادی آن شدیداً می چربد -

مبارت دیگر جاما با ارائه طرح نظام

شورایی میگوید : بی تا پیش نویس قانون

۷/۵ کار می کنند پس از یک استراحت  
نیم ساعت در سایه و شستن دست رو -  
مجدداً ساعت ۸ به کار می پردازند و تا  
ساعت ۱۰/۵ به کار مشغولند . بعد از ظهر

برنامه های آموزشی اردو جریان دارد ، که  
تا نزدیکیهای قروب ادامه می یابد ، به  
تدریج آفتاب پنهان می شود ، صدای

دلنشین آذان بگوشی می رسد . سفزه ها  
و طرفها و ... بمان می آیند . و بچه ها

همه باهم افطار می کنند و نماز جماعت ،  
بتدریج به ساعت ۱۰/۵ نزدیک می شوم ،

ساعت سکوت و خاموشی فرامیرسد . بچه ها  
بتدریج می خوابند و برادرانی که در سایه

شب پاسداری از سایر عزیزان را بعهده  
دارند ، کارشان آغاز می شود .

به امید روزی که با بازوان توانای  
این جوانان هرگونه مست و پنا برابری

از میان برود .  
عزیزان استوار و خدایا بران باد .

### آیا فیلم ...

بقیه از صفحه ۱۵  
افول ایران که عجولانه سعی  
در تحکیم موقعیت خود دارد  
دست از مواضع خود برنخواهد

داشت ، منتها باید دید آیا  
میتواند نتیجه بی توانا با یک

کودتای قذیفه خیزی حسی برای  
چند سال نیروهای و انقلابی و

مترقی را از میدان بدر کند؟  
پسنا بر این اگر در یونان آن آینده

عغقان بود و فوفا روگتسار ردر  
ایران آن آینده غرض خود میبوسد

و طغیان و یک مبارزه غوغایی  
و میرزمانه ، و بسیمین دلچسب

علیرغم شباهتهای صوری و یکی  
بودن منطق فاشیسم و ارتجاع

در هر دو جا ، Z در ایران قابل  
تکرار نیست .

### بازوان توانای ...

همیاری مردم بقیه از صفحه ۳

اهالی روستا که مردمی مبارز ، آگاه ،  
میاندوست و صمیمی هستند از هیچگونه

هنگاری با برادران ، دریغ ننموده اند .  
مستجابی که برادران و خواهران روستایی

می نمایند فراموش شدن نیست ، و لطف  
و صفای خاصی خود را در خاطره کسی که

حتی یک بار هم به آنها رفتن با پای ،  
گذارد .



زندگی دادر و  
برادرانی که در روستای بودا کندی

کاری کنند با توجه به مشکلات ، در همان  
اردوهای گل تیه در کنار سایر برادرانی که

در روستای گل تیه به کانال کشی مشغولند  
زندگی می کنند . هر روز با ماشینی که در

اختیار اردو است به روستای فوق میروند  
و پس از اتمام کار بوسیله ماشین به اردو

برمی گردند . فاصله بین دو روستا نسبتاً  
کم است .

برادران هر روز با تور و خوقی پیش  
ارزرو قبل به کار می پردازند . و اکنون که

ماه رمضان فرا رسیده است ، علیرغم هوای





# دادگاه خلق،

## قدیمی در راه احکامیت مردم بر سرفروخت خود

● دادگاه خلق بروجردان انقلابی توده ها تکیده دارد. بقیه از صفحه ۱

جرم جنایتی بسیار به سرگ محکوم شده بودند. بنابراین صرف محرز شدن هويت آنان برای به جوجه آتش سرد تنگن کفایت می کرد. لازم بود به کفر رساندن این جانان با سرعت و قاطعیت تمام انجام گیرد. تا تصد انقلاب را که هنوز امید خود را کلا از دست نداده بود و فرصت سربلندگی به وی ندهد. حقانیت دادگاههای انقلاب را علیه سفاقتی که داشتند از پشتیبانی بی دریغ و برپوشر همه افشار خلق می توان در پیام دادگاههای انقلاب اسلامی آخیت به بنا به فزونی مرحله انقلاب بر قید و بند قواوت متعارف دادوسی بودند. عملکردی انقلابی داشتند. ولی همچنانکه کتیم تقیاط مقفسی نیز داشتند که اهم آن ترکیب اعصاب دادگاه بود. به این معنی که اعضای آن از نمایندگان اقشار و طبقات مختلف خلق تشکیل نیامته بودند. نقاط ضعف دادگاهها باعث شده بود که مسائلی ارتشامی، امیرالیستی و صهیونیستی موق شوند تصویر ناختماری از انقلاب با به مردم دنیا ارائه دهند. جریان عمل به تدریج بازرش شد. و آثار تحولات درونی دادگاهها هم تشدید کرد. این امر در تفاوت مردم خودمان به معنک شد. و مردم انتقادهایی به دادگاههای انقلاب و نحوه کار آنها مطرح می کردند. بازرترین نمونه آن محاکمه شبرانی بود. صرف نظر از همه مسائلی که جریان محاکمه برای مردم بیگواران دادگاه مطرح کرد. این مسئله بود که چرا کار خود به روز به درازا کشید؟ چه سوراختم برای ذمهم و شکنجه گیری که حینایشش محرز و مسلم بود؟ و بنا بر ضوابطی که از سوی رهبر انقلاب تعیین شده بود. هیچ کفری جز مرگ برایش منور نبود. تردیدها را در مورد دادگاههای انقلاب شد می بخشید. و ضرورت تشکیل دادگاههای خلق را نیز از پیش مطرح میکرد. دادگاههای که سازمانها و عناصر انقلابی از همان اوان انقلاب تأکید می کردند. در اینجا ما سعی می کنیم که طریخی هر چند کلی از دادگاههای خلق ارائه دهیم.

### علاکردهای دادگاه خلق

ذکر نمونه هایی به روشن کردن آنچه در فکرم کتیم کمک میکند. این نمونهها در همه انقلابها هست و با آنها را از انقلاب فلسطین برگزیده ایم: در حیویه جنگهای داخلی لبنان جریکهای فلسطین نیز فعالانه همراهِ مستضعمان لبنان شرکت داشتند. در این جنگ تکله نیروهای شرقی و جیرکج سلمان در مقابل دست راستی های برتری قرار گرفتند. یک جریک فلسطینی به دنبال انجام ماوریت محوله اش، یک خانواده مسیحی را دستگیر و دختر خانواده را به منف عهود تجاوز فرسار داد. متعاقب آن رهبری انقلاب فلسطین با تشکیل دادگاه خلق او را در همان محل محاکمه و با اعدام محکوم کرد. و حکم صادره را هم بلافاصله به مرحله اجرا گذاشت.

مشال دیگر که در جهت عکس مشال قبلی است، محاکمه انقلابی ابنوهال از کادرهای بالای الفتح می باشد. که بعد از محرز شدن خیانت وی که باعث ایجاد یک جریان انحرافی در انقلاب فلسطین شده و علیه مردم دادگاه خلق حکم اعدام او را صادر کرده ولی از پیگیری و اجرای حکم خودداری میکند. چرا؟ چون اجرای رای صادره در حکم طولانی تر کردن جریان فکری انحرافی و غیرانقلابی ابنوهال است. بررسی در مثال فوق، که در نمونه از عملکرد دادگاههای انقلابی است. ما را به معنی و محتوای دادگاه خلق آگاه می سازد. اگر با توجه به منافع خلق فلسطین به نمونه های فوق نگاه کنیم، نکات مهمی را در پی می بینیم. در مورد اول اگر موزشر در جرم او از نظر جزایی و نظر حقوق مدون در نظر بگیریم، از جمله مجرد بودن جرم، شرایط سخت وزندگی سراسر محرومیت او، گذشته

### دادگاه خلق بروجردان انقلابی توده ها تکیده دارد

دادگاه خلق چنانکه از استن برمی آید. دادگاهها است که قصات آن نمایندگان اقشار مختلف خلقند. و مسائلی که در آن مطرح میشود به همه خلق و به سورت این سربوفاست. عملکرد این دادگاهها قبل از آنکه بر قواوت مدون حقوقی و جزایی استوار باشد، بر وجدان انقلابی و داری توده های مردم تکیه دارد. بهین جهت قضات این دادگاه ها را نه فقط متخصصان امور حقوقی و جزایی، بلکه ترکیبی از نمایندگان مردم تشکیل میدهند که حتی

در آور و آکنده از ناگسها و رنجهای قومی، خانوادگی و دهها عامل درونی و بیرونی دیگر را که از مایل جنسی شده وی در هم آمیخته و در یک حالت جنون آسا او را واداشته که دست به چنین عملی بزند. متوجه می شوم که جرم ارتکابی وی را مستحق اعدام نمی کند. اما در اینجا چیزی که دادگاه خلق بران اصرار می ورزد، حیثیت سیاسی یک انقلاب و جریان برپار نهضت خلق فلسطین است. چنین عملی که بدست یکی از سرسازان انقلاب انجام گرفته می تواند بصورت تشدیدری حسدی برای لشکدار کردن شرافت انقلابی نهضت درآید. علت عزم قاطع دادگاه خلق در صدور حکم اعدام و اجرای بلافاصله آن نیز همین جهت بود.

در نمونه دوم دادگاه خلق به این دلیل بعد از صدور رای اعدام در مورد ابنوهال از اقدام به اجرای حکم خودداری می کند که اعدام وی کچه ظاهر اجرای عدالت بر مردم یک خائن است. ولی در حقیقت نتایج حاصل از آن در جهت نایب درآمدت خلق خود را بدوید. با اعدام ابنوهال نه تنها جریان فکری او و آثار عملی آن از بین می رود، بلکه با احتمال فوری او را به یک مدین تبدیل کرده و این جریان انحرافی را در اوان پیگیری و برخورداری می کند که منافع آنی توده های مبارز فلسطینی را مورد تهدید قرار می دهد.

### دادگاه خلق در چه مواقعی تشکیل میشود و ترکیب اعضای آن چیست؟

چنانکه کتیم "دادگاه خلق دادگاهی است که قاضی یا قضات آن نمایندگان خلق هستند. براسان تشریف آید افزود که: "متناسب با شرایط، نحوه تشکیل دادگاه خلق فرق می کند. با این معنی که در شرایط تسلط حکومتی یا جریکها و دیکتاتور، این دادگاهها موقی اند و اعضای تشکیل دهنده آنها را افراد مسلح با یک سازمان انقلابی تشکیل می دهند. زیرا چنان سازمانی تسلطور خوانشهای جامعه، و دادستان مردم تشکیل میدهد. در محیطی دموکراتیک و بخصوص بعد از پیروزی انقلاب، دادگاه خلق یا محاکمه اقشار مختلف خلق نمایندگان سازمانهای انقلابی- رهبری تشکیل می شود.

در دادگاه خلق آنچه مورد توجه قرار می گیرد جنبه سیاسی اجتماعی جرائم است. و کمتر به جنبه اخلاقی و جزایی پرداخته میشود. جزا در حقوق و قانون کفری ناظر به موارد از پیش تعیین شده است. و در برخورد با مصداقهای گوناگون یک جرم، واکنش یکسان نشان میدهد. ولی محاکم عمومی هم متناخلف بر یک جرم این چنین است. در صورتیکه وجه نظر دادگاه خلق حفظ و ضمانت منافع خلق است. و در این مقصود دینامیسم و انعطاف بسیار از خود نشان میدهد. و بهین جهت اعضای دادگاههای نمایندگان اقشار و طبقات مختلف جامعه هستند. مسئله تخصصی و جیرکی در امر قضا خاص خود را نه ملاحظه در تشخیص منافع توده ها می دهد. که این کار نیز فقط توسط نمایندگان واقعی آنان قابل اجراء است.

### دادگاه خلق به چه جرائمی رسیدگی می کند؟

در دادگاه خلق، مدعی خلق است. مورد تظلم به معنی است که در خلق رفته. جرائم مورد رسیدگی این دادگاه، بسته به ویژگیهای آن مرحله از انقلاب،

گوناگون است. ولی وجه مشترک همه آنها جنبه سیاسی اجتماعی عمل ارتکابی است که باعث خدشه دار شدن شرافت و حیثیت سیاسی جامعه انقلابی شده است. صرف نظر از این که عمل مذکور در حقوق مدون جرم دارد یا نه. باین معنی که اهمیت سیاسی عمل انجام شده بخدی است که متعارض دیگر جرم را تحت الشعاع قرار داده است. و یا حتی عملی که عنوان جرم در موق موقه عادی نداشته باشد. به خاطر آثار سوئی که به ساز می آورد. جرم خلقی می کند. و مرتکب را برای این جرم با تخفیف نتایج و آثار سوء عمل محاکمه و محکوم می سازد.

به همین ترتیب یکی هم که از نظر ایدئولوژیک سبب ایجاد تک جنبه انحرافی را جامعه گردد، و سر و جریان اصلی و حرکت طبیعی جامعه را سد کند، یا سبب تکثیر حرکت آن شود، مورد محاکمه دادگاه خلق قرار می گیرد. در اینجا محاکمه مرتکب، در حقیقت محاکمه جریان انحرافی است و حکم دادگاه هم بر حکومت سیاسی اجتماعی این جریان می باشد. و نه فقط حکومت جزایی فرد یا افراد مرتکب. ( به ضمیمه آیه ۱۹۱ سوره بقره تفسیر شده که: "و من ضمیمه (الافته) شد من الفت")

### انطباق کامل دادگاه خلق با موازین اسلامی

محتوای دادگاه خلق، بررسی سیاسی-ایدئولوژیک مسائل، ارائه آنها به توده، آگاه کردن مردم به ماهیت تضامی و سه داری خواندن اشاعت، اگر گتیم پیامبر و سره، امانان و مخالفه نسبت به منافع خود شد که این باکان دقیقاً به همین شیوه در برخورد با مسائل عمل میگردند.

در تاریخ اسلام و بخصوص زمان پیغمبر اکرم ما به نمونه های زیادی برخورد می کنیم که ناظر به دو جنبه اساسی و دو وجهه نظر در دادگاههای خلق می باشد. یکی توجه داشتن به منافع واقعی و درآمدت خلق و محصور شدن در چارچوب احکام از پیش تعیین شده حقوق جزا است. و دیگری به تفاوت نشانیدن مردم در جهت توضیح و تفسیر مسائل برای آنان است. مثال دوم از آنکه خانت سیهودستان اطراف مدینه هنگام محاصره پیغمبر به وسیله مشرکان مکه در جنگ اشراط مسلح شد. و بعد از آنکه مسلمانان توانستند در برابر مهاجمین پاسداری کنند و آنها را بشارانند، پیغمبر توجه به این هم پیمانان خائن و بیگانه شدن در و یک پورش آنان را دستگیر و بطوری که مشرکون است هفتصد نفر از ایشان را در یک روز اعدام کرد. شاید این عمل خشن و قساوت بار بنظر برسد. چه بسا بسیاری از این افراد که اعدام شدند در اسین خانت و پیمان شکنی سیم و نقض ستمند نشانند. اما آنجا که آمد:

یک مکتب، سرنوشت یک انقلاب و منافع یک خلق مطرح است. باید با قاطعانه عمل کرد، و چشم براین تردیدها بست، چون هرگونه مساوات با جریانی که در صورت

جامعه آزادی (فراری دادن) "از قلمدی" مشهور یاد کرد.

### دادگاه انقلاب، شیخ الاسلام زاده رانجات داد!!

این دادگاه نقش و رسالت خود را از دست داده است اعتماد و علومت سوء استفاده می کند. ارتجاع کنونی در ضدیت با عناصر و جریان های اصل و انقلابی مسلمان هیچ گوناهی نمی کند. و تا آنجا که دستش برسد همه امکانات تبلیغاتی سیاسی، نظامی را به خدمت می گیرد، و آنها را در پشته سازد. ولی در همین زمان جنایتکاران و خائنین به خلق و همنها که هر شایبه از عزمتان به قیمت ترک صدها و اسارت و شکنجه و محرومیت میلیونها انسان مبین مان، قزین عیش و نوش بوده است. از چنگال عدالت آزادی می شوند تا مترجمان تازه بسدوران رسیده که یک لحظه از ادعای اسلام و شرع هم غافل نمی شوند. به هدفهای ضد خلقی و ضد اسلامی شان جامعه عمل پیوسته اند.

توفیق انقلاب را ناپود خواهد کرد. بار در آستن پروردن است. با به تفاوت تولیدن خلق و ارائه مسئله به توده های مردم و آگاه ساختن ایشان نمونه های بسیاری در تاریخ اسلام و خاندان پیامبر دارد. میتوان از جریان فدک یاد کرد. که حضرت فاطمه در تمام با نظام حکم مسئله را به مردم عرضه و مردم را به داری می طلبد. سخنرانیها و خطابه های و برای مردم در همین رابطه است (احتجاج طبری - فصل مربوط به حضرت فاطمه).

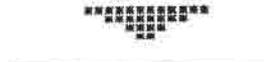
حضرت علی هم در برخورد با طلحه و زبیر، در برخورد با مسئله خواجه و در مقابل معاویه، همه جا مردم را و جریان ماهیت معاویه و مسائل فرار میدهد و آنها را آگاه می کند و سپس تفاوت را به مردم واگذار و حکم را از ایشان می طلبد. چنانکه در قرآن به مالک اشتر آنچه را که برپای خلق جاری میشود می خندد می نامد.

بسیار باین با توجه به محتوای دادگاه خلق و ویژگیهای آن، تاکیدی بر نیرو و صحت داری مردم و مقابله آن با سره پیغمبر ارائه شده دریافت میشود که اسلام نه تنها با ادمه خلق مخالف نیست، بلکه از آنجا که این دادگاهها در مسیر خواست خدا و خلق و در جهت منافع جامعه و نیل به مرحله تکاملتر می باشد مورد تأیید است.

آنچه یک جریان انحرافی را بقا می بخشد و فرصت میدهد بیشتر به گمراه کردن مردم و ایجاد متنه بپردازد. برخورد نامصحح با آن است. بهترین ویژگی دادگاه انقلابی خلق برپوشر صحیح و خلقی و همگامی با یک جریان انحرافی است. که مدتی برای بقای سیاسی و اجتماعی و مالال تاریخی و ایدئولوژیک مشیم می گذارد. این خود محتوای اصل اسلام است که همیشه در برخورد پیامبر و ائمه بچشم می خورد.

### تجربیات انقلابی معاصر

تاریخ انقلابهای چین، الجزایر، ویتنام، لیبی و فلسطین، ضرورت تشکیل دادگاههای خلق را بعد از پیروزی انقلاب، به خاطر تفاوت خلق از اعتلاوات و چندسنتیها اثبات کرده، و کارایی آن را در عمل نشان داده است. چون در دادگاه خلق، این نمایندگان همه اقشار خلق هستند که یک جریان انحرافی و عناصر وابسته به آن جریان را اقتضا و محکوم و مجازات می نمایند. و بهیئت حاکمه که ممکن است فقط نمایندگان قضا را بر سر بگیرد. و اگر حکومتی بویج برانگینندند سوی طغنها، و بدین معنی می کند که نسبتاً است به تفرقه و از هم پاشیدگی صفوف یکپارچه خلق بناشاید منجر شود. توجه به این واقعیت خشن ضرورت برپایی دادگاههای خلق را در این مرحله از انقلاب با بیش از پیش تأکید می کند.



دست با این دلایل احکام انقلابی و قاطع دادگاهها مورد حمایت همه نیروهای ترقیخواه و پیشرو جامعه گسترده ترین افشار خلق بود. و هیچکدام از اعتراضات جنجالی و باصلاح قانونی محافل ارتجاعی امیرالیستی چنان نیز تردیدی در حقانیت این احکام ایجاد نمی کرد!

توضیه در دادگاههای انقلاب ماهیت آزادگروگون کرد

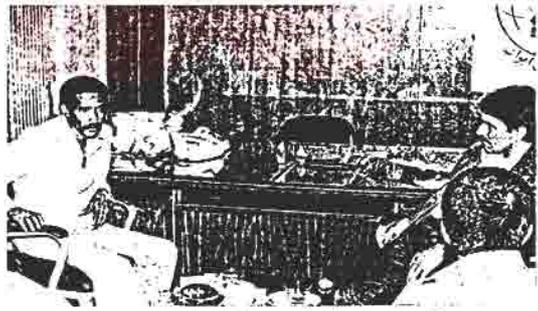
لکن بتدریج سمت و جهت دادگاههای انقلاب تغییر کرد. با ماهیت غیراصولی آن آشکار شد. ابتدا در سطوح بازرسی تصفیه هائی صورت گرفت که دقیقاً "هدف آن طرد حقوقدانان ورزیده و مخصوص مومین و هدیق و سازشناپذیری بود که بدون هیچ چشمداشتی شانروز مشغول خدمت بودند. در آن زمان پرونده سردوران جانبکار رژیم شاه توسط این افراد صالح تصفیه در صفحه ۸

کشورهای مرتجع میخواهند ما را علیه رژیم آیتوینی بکار گیرند و وقتی آیتوینی را تضعیف کردند، داخل خود ما را هم بیاورند

احمد ناصری تشریح وضع انقلابی مردم ارتبه، با یک بحث سیاسی عمیق مسائل منطقه را مطرح کرد. اینک بدنباله مذاکراتی بود ازیم.

مجا هدی - نقش سودان در این مساله چه بود. آیا دارای پایگاه می در ارتبه بود؟  
احمد ناصری: بک و راست! آنها میخواهند ما را علیه آیتوینی بکار گیرند و وقتی آیتوینی را تضعیف کردند داخل خود ما را هم بیاورند و الا چند سال بود که من برای تقاضای کمک این و آن و آنور میرفتم ما را هم نمی - دادند کشورهای راست مرتجع و حامی منافع امپریالیسم - چنانچه منظوری، که در حقیقت از پشت حنجره زدن بود، شما منظر داشتند شرایط ما بسیار دشوار و پیچیده بود. تا سال ۷۷ ما در حال جنگ بودیم و دستمیزها را یکی پس از دیگری آزاد می - کردیم، که منصرف جید می - بود. منصفه شد و مسئله را پیچیده تر کرد. این منصرف جید سومالی بود. در حالیکه ما پدیده تازه ای نبودیم و ما را قتل مبارزه میگردیم

میکرفت شمر دا ووا جماعتی از عناصر مرتجع می در این سال تشکیل شد و برای این سوار و تصمیم گرفت:  
۱ - مقرر کردن یک مصلحت یکناله برای ایجاد تشکیلاتی جهت تشکیل کنگره.  
۲ - وحدت تمام نیروهای نظامی.  
۳ - کار در رهبری باید در داخل ارتبه با شند و نه در خارج شهردمشق و قاهره.  
۴ - تشکیل کمیته ای برای تنظیم برنامه ها به این ترتیب بعد از سال ۶۹ یک تغییر کیفی بوجود آمد و ما از مرحله سازمان یافته ای وارد شدیم. کسانی هم بودند که میدیدند ما این قرارهای دموکراتیک - مومعتنان یکنالی از دست می - رود، این بود که با تصمیمات مذکور مخالفت کردند در اربعین افراد دشمنان صبی قرار داشت. اوکسی بود که خود را بعلت - روابط خارجی ای که داشت تحمل کرده بود، دشمنان صبی با ۱۲ نفر انشعاب کرد اینها ابتدا به سودان و بعد به عدن



گفتگو از دیدار احمد ناصری و مسعود جوی

ولی وارد شدن سومالی ما را به ناحق در کناره رومالی قرار داد اگر اعتقاد ما و میانی و اصولی که به آنها وفا داریم تا به هر گونه ما را از معامله ای با امپریالیسم و ارتجاع نبود می - توانستیم به آنها نزدیک بشویم اما این ما هیت ما است که تنها به خلق خودمان وفا دار هستیم ما اعتقادمان به خلقمان است و این تجربه تاریخی است که خلقها بیرون از بلستان را از نقشه اروپا حذف کردند و لوسی امروز وجود دارد.  
مجا هدی: در داخل جبهش ارتبه چه جناحهایی وجود دارد و رابطه آنها با هم چگونه است؟  
احمد ناصری: طبقین اولیسن تیری که از سلاح شهید موافقی در سال ۱۹۶۸ غلبه شد به ما درخواست میزد بود پس از آن حرکتها فی در پنج منطقه آغاز شد که دارای شکل سازمان یافته نبود و وضع همچنان ادامه داشت تا در سال ۶۹ کوششهایی که برای تعیین یک مشی مشخص انجام

دادگاه انقلاب...

بقیه از صفحه ۲

و موئن پیگیری و تکمیل شد و نهایتاً بدست توانای عدالت رسید. این گروه تا آنجا که میتوانست در مقابل فشار متنفذین و هزبر در دامنه که میخواستند جانبان تازه را "در برند" مقاومت می - کرد. از اینرو کارها آنطور هم که مرتجعین میخواستند پیش نمی رفت. حداقل در مورد دادگاهها و بازپرسیهای انقلاب اینطور بود. تا اینکه آنها راه حل قصه را به زعم خود پیدا کردند:

و آن طرده و تصفیه همان افراد هشدار و مومنی بود که "سازش پذیر" نبودند!! کمتر از یک هفته گذر افراد مزبور را خواستند. آسیم در شرایطی که شدیداً "به وجودشان احتیاج بود" زیرا برای بررسی و تکمیل پرونده متهمین و نیز تشکیل دادگاه برای آنها قادر قضائی انقلاب، هم بلحاظ کمی و بویژه بلحاظ کیفی (افراد با تجربه و مومن) کاللا در صقیه بود. همزمان با این جریان تلاشهای دیگری برای تجات غائبین خلق صورت گرفت: جلوگیری از دستگیری و بازداشت آنان، آزاد کردن گروه گروه عناصر سوارک و ... فرمایشی شدن دادگاههای - اصطلاح انقلاب که بجای اجرائی عدالت قضا، خیال خیلی از شکنجه گران و سرکوبگران را راحت می کرد. بدین معنی که با حسن های کم و با تأمین حقوق و مزایا، آنان را از شرایط فشار و زدگی منعی و همراه با ترس و لرز نجات می داد!!

سازشکاری اوج میگیرد

اما نقطه اوج این سازشکاریها، دادگاه شیخ الاسلام زاده و حکم بهتاکیر آن در مورد نامبرده است. در قسمتی از پرونده کثیر خواست او چنین می خوانیم: (اطلاعات ۲۲ شماره) - رشوه، استفاده و غارت بیت المال مردم ایران، و تصرف غیرقانونی اموال و وجوه دولتی، آکوش و حرکت مستقیم در جهت تحکیم مبنای حکومت منفق و ضد مردمی رژیم سابق.

۳- شرکت در جنایات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هضات حاکمه و دولتهای ناصب رژیم حافظ شده با داشتن مسئولیت مشترک در کاستنهای مزبور در جهت ازین بردن حاکمیت ملی ۴- تحریک و فساد آگاهانه در وزارت بهداشتی و سپهرستی و سازمانهای درمانی به قصد سودجویی شخصی و تاراج اموال مردم.

به اختصاص دادن بودجه درمانی و بهداشتی مملکت در راه عیاشی و فساد و صرف بودجه مزبور در امر غیر ضروری به منظور کسب درآمد غیر مشروع. ۶- شرکت در قتل بعضی فرام کردن موجبات مرگ صدها نفر از مردم محروم که در نتیجه ابتلا به بیماری و عدم دسترسی دارو و طب جان خود را از دست دادند ...

۷- سوء استفاده از قدرت و بیرداحت و بولهای بیت المال به اطرافیان خود و وابستگان رژیم منفق از خزانه ملت. ۸- همکاری مستقیم و غیر مستقیم با سوارک منحل و ...

و در قسمتی دیگر از کثیر خواست آمده است که متهم در هفت مورد روابط نامشروع داشته که این روابط منجر به جدائی زنان از شوهران خود گردیده است ...

وی همچنین یک عشرتکده در خیابان امیر اتابک دائر کرده بود. متهم همچنین در زمان وزارت خود جیره متانان ۶۸ ساله به پائین را قطع کرد. تا معاندان ناگزیر شوند بمصرف هزوتین پناه برند. و در نتیجه هزوتینهای اشرف و غلامرضا پهلوی مفروض رسد. (تشریح از اطلاعات ۲۴ شماره) اما ... دادگاه پس از جلسه دادرسی در عین حال که همه جنایات حد خلقی او را تأیید کرده، (در حقیقت انقدر آشکار و بدیهی بوده که چاره دیگری هم نداشته است) و او را مقصد فی الارض و ... تشخیص دهد. به دلایل کاللا منصف و مسخره (از قبیل نحوه برخورد او در دادگاه و با امکان استفاده از تخصص پزشکی اش!!) او را سزای اربعه ساله و از صدور حکم اعدام در ناره او خودداری می نماید!! البته در مورد روابط نامشروع هم، دادگاه دلایل را کافی ندانسته است!!

آخرین دست آوردهای انقلاب قبل از هزوتوسی براسون این مسأله خوبست به سایر موضوعات و احکام دادگاههای انقلاب توجه کنیم. این اواخر دادگاههای انقلاب مرتباً "در مورد زنان و بردانی که متهم بدانشن روابط نامشروع با آنها و ... بودند حکم اعدام صادر کرده است. کاستیکه اولاً آنها همین یک فقره اتهام داشتند. ثانیاً آنها خود جزو قربانیان نظام فاسد قلمی بوده اند. نه پایه گذار نظام فاسد، چرا که فقر بدین معنی و زندگی ضایع شده آنان گواه این حقیقت است و قدر مسلم اینکه در حفظ و تحکیم آن رژیم هیچ نقشی نداشته اند ...

ندارد، بدین برخوردی با او کرد و دخترش را بست. بعد از اینکه خودشان را تصحیح گفته بودند، مسئله را طرد میکردند و مطرح کردند و جبهه را غیر دموکراتیک خواندند و خود را اقل دموکراتیک تیگ جبهه از آ دیدنشان را بصره نامیدند. ما گفتیم اگر او افسار شما دموکرات هستید بنیاید در کنگره شرکت کنید، مخالفت کردند. در سال ۷۶ به ایشان گفتیم که شما با انشعابات جدیدی روبرو خواهید شد. همینطور هم شده در سال ۷۶ جناح نظامیان

۲- تسبیحان های بی درسی از ناصری که به قاچاق مواد مخدر متهم بوده اند. و با شلاق زدن مناسرت بلوک و دریا نده به عنوان اجرائی حد سرت و با ... نمونه های دیگری است از آخرس دشمنان و راهای دادگاه انقلاب. و حال آنکه این مسائل (سرتقهای این جنبش و قاچاقچیکری و ...) هم اساساً "راشده نظام ظالمانه و فاسد گذشته، و بطور کلی ناشی از وجود استعمار، فقر، بیکاری و دیگر ناراحتیهای اجتماعی است، و طبیعتاً تا وقتی آن ریشهها باقی بمانند این قضایا هم ادامه خواهد داشت و در افتادن با این افراد وامانده هیچ دردی را دوا نمی کند. خصوصاً که می - بسیم نردان و فاسدین خیلی بزرگ آزادانه می گردند با آزاد میشوند.

بدیهی است که آثار زبانتار ماسد فوق الذکر (سرتق، فحشا، ...) انگار ناپدید و محو و اصلاح آنها از حدی ترین و مقتدرترین خواستهای هر منصف انقلابی است. که البته در یک مسیر صحیح و انقلابی همراه با ازین رفتن عوامل وجودیشان از بین خواهند رفت.

بنابراین وقتی به برخورد داد - های انقلابی آزاد می گردیم، منظورمان توجه دادن به سیر نزولی و انحرافی آنها است (یعنی برداشتن آنها به مسائلی نیست، بهیچوجه در شان و صلاحشان نیست. آسیم با تکل و شیوای کاللا فقط نا -

و جالب تر اینکه در موارد فوق - الذکر هم) با شیخ الاسلام زاده ها برخورد متفاوتی میشود. اگرچه در مقایسه با دیگر جنایاتش این اعمال کترین جرم - های او به حساب می آید.

۳- زرمه ها و شایعاتی بر سر زبانها است دایر بر اینکه دادگاههای انقلاب بزودی به تعقیب سائلی نظیر گرانروشی، و از این قبیل خواهد پرداخت. که به خوبی یادآور برخوردهای آریا بصری است که هر چند وقت بیکار با جنای دادگاههای رنگارنگ خود، به جان زحمتکشان و اصناف بی افتاد، تا سلا مسأله تورم و گرانروشی را حل کند!!

چرا رسیدگی به پرونده شیخ الاسلام زاده به تأخیر افتاد؟

از اینها گذشته طول کشیدن چندین ماهه پرونده شیخ الاسلام زاده در کنار اعدام شدنش، سخوات رسامی را مطرح میکند. سخواتی که شاید جوانان را در صحتها و زرمه های خصوصی تر پیدا کنیم!!

بقیه در صفحه ۱۱

تحت عنوان "جبهه التحریریه" انشعاب است. عثمان مبنی یک تشکیک با شرکت ۵۰ نفر دست کرد، و امین را گذاشت "تهروی" بوده ای برای آزادی ارتبه، اکنون هم در ماه سوم ۷۹، نیروهای که در داخل به وی وابسته بودند او را محکوم کردند و او را جدا شدند. الان خود ما مانده و خودش و در سراج بزم میزند، تا بدما زرمه خواهد سازمانی برای خودش بوجود بیاورد. کسی چه میداند!

\*\*\*

جاهلی و ارتجاعی را کلاً سَنَد نمود. بافتاری و سرخستی شخص پیامبر بعنوان پرچمدار این مبارزه مکتبی سر روی " اصول " و بنیادهای اسلامی چیزی نبود که برکنی پوشیده باشد. بنابراین برای کسانی که خواهان بازگشت به دوران جاهلیت و احیای امتیازات گذشته بودند، هیچ چاره‌ای جز این نبود که در لباس اسلام و با تظاهر به مسلمانی و بیعت با خلیفه اسلام به این خواسته خویش جامه عمل ببوشند.

بهر حال با گسترش انحراف، فاصله طبقاتی و امتیازات طبقاتی و بهره‌کشی به اوج خود رسید. کار بجای می‌رسید که بر فراز مشرق اسلام گفته شد: " ما احتیاجات خود را از بیت المال برمی‌داریم، اگر چه عده‌ای مخالف باشند " ( امام علی جلد ۲ ) این سیاست‌ها باعث شد که کم‌کم تضادهای طبقاتی سرازیر نمایند. بتدریج نطفه‌های یک مبارزه توده‌ای در مدینه بسته شد. مجاهدین رزمندگانی چون - ابوذر و عمار هم‌رنگ مقاومت را در برابر انحراف برافراشتند. اما ارتجاع با توسل به خشونت و شیوه‌هایی نظیر شکنجه و تبعید به سرکوب آنان پرداخت. مجاهدین نیز وقتی که امکان فعالیت علنی نیافتند، به مبارزه مخفی روی آوردند و آنرا شدت بخشیدند. بخصوص که دست مومنان سردمدری و ضد اسلامی رژیم اموی را پشت سر این جریان مشاهده می‌کردند. مبارزه مستقیم و همه‌جانبه‌ای در مدینه بوسیله انقلابیون سلطان برپا شد. و اخبار آن زمان به زبان گشت ولی مناصر اصلی و رهبری‌کننده آن ناشناخته و از دسترس عوامل ارتجاع دور ماندند.

... مردم پس از پیروزی انقلاب برای چهارمادینی در باره سرنوشت انقلاب و ابر رهبری جامعه در مسجد گرد آمدند. عمار در میان جمعیت انبوه برخواست و گفت: " سرانجام راهی را که دیروز پیموده شد دیدید. شما اگر امروز در امور خودتان نگرید و قاطع و هوشیار نباشید در شرف دچار شدن به چنان سرنوشتی هستید... روز بعد از انقلاب، مردم از مسجد بسوی خانه علی راه افتادند. طلحه و زبیر نیز در میان آنان بودند. علی در خانه‌اش گوشه گرفته بود. مردم فریاد برمی‌آوردند که او ختم " کار را بدست گیرد و بهشتیان را نبذیرد. ( خطبه ۵۳ فرات ۱ و خطبه ۲۲۰ )

امام علی نقطه نظر ها و موضع خویش را در برابر انحراف بیان می‌کند در این موقع است که علی به بیان نقطه نظر ها و تحلیل خود از شرایط موجود جامعه می‌پردازد. و مواضع اش را در قبالت و خیالات و جریانات انحرافی بیان میکند. او در ضمن سخنانش تصمیم خود را مبنی بر حرکت بر طبق اصول و معیارهای مکتبی اسلام می‌دارد. و خطاب به جمعیتی که می‌خواستند با او بیعت کنند می‌گوید: " ما کاری را آغاز کردیم که دارای ابعاد و رنگهای گوناگون است. نه مغلطه زبیر با آن می‌روند و نه دلها بر آن استوار می‌شوند. آفاق را ابر سیاه فرا گرفته و،

راه روشن تغییر یافته است. بداندید اگر من دعوت شما را ببیدم. مطابق آنچه درست می‌دانم رفتار خواهم نمود... ( خطبه ۹۱ )

آنچه که بوضوح در سخنان فوق پیداست، اینست که علی بخوبی از این امر آگاه است که انحرافات موجود در بنی سیمت گذشته بحدی عمیق و ریشه‌دار است که تصحیح آن مستلزم یک دگرگونی بنیادی در کل مناسبات اجتماعی بوده، و نیاز به یک مبارزه طولانی و بی‌گسار دارد. مبارزه، دراز مدت و ایدئولوژیکی که سرنوشت آن هرگز در یک لحظه و با یک هجوم با بورش تعیین نمی‌شود. بلکه این سرنوشت را تسلسلی از لحظات می‌سازند که در مجموع به عقیدتمنی ارتجاع و نفی مناسبات کهنه می‌انجامد.

راهی که به پیش و تقوای انقلابی نیاز دارد

این راهی است بسیار سخت و دشوار و پرفراز و نشیب که بسیاری را تحمل پذیرش ناامیلات آن نیست. خیلی‌ها توان و آمادگی لازم برای پیرون آوردن سرفراز و پیروزند از درون این پیمان و خم‌ها و قنقه‌ها ندارند. بسیاری در اثر پامدها و عواقب موضکیهای قاطعه و انعطاف‌ناپذیر و مبارزه، اصولی او، بالا و پایین شده و تعادل و استحکام خویش را از دست می‌دهند. آنها که قدرت تطبیق و شکبایی و تقوای انقلابی ندارند نمی‌توانند مشکلات را جان خریدند. " دل بر آنها استوار دارند. " ( ل ل تقوم له القلوب ) همین طور است و وضعت کسانی که از شناخت مسیق و بهشت لازم برای تجزیه و تحلیل برخوردار نیستند. ( و لا تثنیث علیه القلوب ) علی سیرت بر انبوهی از مشکلات و روابط با سالم و طبقاتی گذشته است. ولی او کسی نیست که از سختی بهراس افتد. چه از همان لحظه نخست تهدید اصلی را نیک دریافته و مضم است که با

حمله به جلسات، میتینگها، کتابخانه‌ها و پاره کردن اعلامیه‌ها، عملی غیر اسلامی است این کار بوسیله عناصر فآگاه یا الت دست انجام میشود

آن به یک کویج و محله محدود نمیشود، بلکه با بخش بزرگ و بزرگمافی آن در کشورهای، عروج عنوان یک حربه سیاسی علیه رهبری انقلاب، مردم ایران و مکتب اسلام بکار گرفته میشود. جمعیتی که با شعارهای بی‌در پی " درود بر طالعانی " ایشان را تا پای میکرومون همراهی کرده بودند سراپاگوش از تمایح پدزانه مجاهد بزرگ، همچون تشنای که از جام وحدت بنوشد سیراب میشوند. در خطبه اول از مضمون تقوا یاد کردند و در خطبه دوم بعد از بررسی ابعاد ایدئولوژیکی خطبه، در زمینه تسبیح بنیای شناوری و حرکت هدفدار جهان به سوی نهایت مطلق هستی، سخن گفتند. ایشان با تعبیر زیبایی فرمودند: انسانها هم با شنا کردن ( تسبیح ) در طوفانهای امواج اجتناب به حاصل نجات خویش برینند. بعد از این ابعاد سیاسی خطبه را با تشریح وقایع کردستان و ارتجاع نمودهای برای وحدت مردم سا برادران کرد بیان نمودند. صفهای مشرده جماعت بعنوان یک

فاطمیت در برابر انحراف بایستد. و از دستاوردهای انقلاب حرالت کند. حرکت عادلانه به بر بنیای اصول آنگاه در همین خطبه خاطرنشان می‌سازد که " اکثر من دعوت شما را بپذیرم، تنها مطابق آنچه که درست می‌دانم، رفتار خواهم نمود " یعنی سببها و ارزشهایی که بر حق و مطابق اصول و معیارهای مکتبی است پیاده خواهم کرد. و الا اگر فرار باشد که مکتب و اصول اساسی در معرض نشیبه قرار گیرند، و راهی را بخواهند پیشباید کنند که حقیقت و ایدئولوژی در آن قربانی شود، " به سخن هیچ‌گونه و به سرزنش هیچ توبیخ‌کننده‌ای گوش نخواهم داد. " ( خطبه ۹۱ فرات ۲ ) سخن دیگر هیچ مصلحت و مناسقی را در برابر ارزشهای مکتبی و " اصول " ترجیح نخواهم داد. هر چند که این استنادگی، سرزنش و دوری برخی را نیز بدنبال داشته باشد. با موجب شود که حمایت‌هایی را از دست بدهم.

در حقیقت اینجا یک تضاد اساسی است که علی به شیوه انقلابی و مکتبی با آن برخورد می‌کند. تضاد بین اصول و سیرت ایدئولوژیکی و سنت شهیدانه، و از یک طرف، و داشتن و حفظ سیره‌هایی که اینک بر اثر قطع امتیازات در آستانه پراکندگی و دورشدن از علی قرار گرفته‌اند، از طرف دیگر. همان انتخاب دنوار میان " حقیقت " و " مصلحت " که بارها و بارها در تاریخ چنین ها، رهبری را در معرض یکی از همین گندیده‌ترین آزمایش‌ها و اختلالات قرار داده است. اما علی (ع) علیرغم این توبیخ‌ها و با نصیحت‌ها مضم است که " اصول " و تصدقات و رسالت مکتبی خویش را بر همه، صالح و منافع زودگذر مرجع شمارد، و به هیچ قیمتی از آنها عدول ننماید. حال بگذار هر که در " اصول " با او نیست از اطرافش برود، بگذار -

آیا انقلاب نیکار گونه ...

بقیه از صفحه ۲ حرکت اصل و مترقی مردم بود که خواهان عمل انقلابی از دستگاه رهبری بودند. دستگاهی که در موضع غیر-انقلابی خود ( بصراحت اعترافش ) باقی مانده و حرکت لاکمپتشی اش دست و پاگیرش میشود. تفاوت و اختلاف خط مشی‌های انقلاب ایران و نیکارگونه را پس از بشر رسیدن بایستی ناشی از ذات و ماهیت این دو انقلاب دانست. هر چند که انقلاب نیکارگونه دوران نوزادی خود را طی می‌کند، و لذا بایستی با احتیاط نسبت

بقیه از صفحه ۴ مصاحبه مطبوعاتی در ستاد ...

کنورمان را بعد از تصویب طرحی از قبیل نظام ثورای تیره میسازد. با توجه به این حقیقت ما با سوالی از دکتر سامی نظر جا ما را درباره نسوه برخورد با توطئه‌های امپریالیسم بر علیه خلق ایران جوابا شدم. ایشان ضمن تاکید مجدد بر ضرورت گسترش آزادی‌ها، بویژه آزادی عقاید و نظرات، بعنوان یک وظیفه مکتبی و اسلامی گفتند: " در صورت توطئه امپریالیسم اسلام‌راه جهاد را برای ما باز گذارده است. " به خار جمعه پرداختند.

" حیات " و " مرگ انقلابی " و " شهادت " تبیینی بهتر از این نمی‌جوئد. پیروزی یا شکست در ارتکبیت نیروها نیست برای علی بعنوان یک موحد انقلابی، بهیچوجه طلب حمایت این و آن و بدست آوردن کمیتی که به بهای خنده‌دار شدن ایدئولوژی و اصول او هیچ اشکالی ندارد که با الهای سال با حفظ مواضع و اصول توحیدی خویش دور از هرگونه قدرت سیاسی و توهمات مربوطه آن، حتی در کوشش‌ها و غن‌نشین شود، اما اصالت و خلوص ایدئولوژیکی خود را حفظ کند.

علی قرار گرفتن در یک اقلیت یا خط مشی اصولی را با حفظ اصالت مکتبی و هویت ایدئولوژیکی خود، صدها بار بر تبدیل شدن به یک اکثریت قدرتمند حاکم در ارتجاع و استحکام و خلوص ایدئولوژیکی برخوردار نیست ترجیح می‌دهد. زیرا او بخوبی آگاه است که چنان اقلیتی به دلیل حقانیت و مواضع اش، در دراز مدت رو برسد و بالنده است. لیکن چنین اکثریتی بدلیل پشت‌پازدن به ایدئولوژی، هیچ آینده تاریخی نخواهد داشت، و سرانجامش تجزیه و انحطاط و ارتجاع می‌باشد. در این مورد علی در خطبه ۱۴۶ خطاب به رهبران در هنگام عزیمت به جنگ با نظام ایران، گفت: " در این مبارزه پیروزی با خواری و شکست، به انبوهی لشکر با کمی تعداد سپاهیان نمود. و نیست اس ماهیت بر حق و تکاملی مکتب است که غلبه و برتری آنرا تضمین کرده است و به نیروی حقیقت است که رزمندگان ما بر علیه دشمن کمک می‌شوند. و اما آنچه راجح به بسیاری مدد سپاهیان ایشان ذکر کردی، بدان که ما پیش از این با آنها به بسیاری لشکر جنگ نمی‌کردیم، بلکه به کمک و تأیید حق، به میدان بیکار می‌آمدیم... " نامش

به آن اظهار نظر کرد. انقلاب نیکارگونه با قدرت و قاطعیت شهادت تکیه به تودما و واگذاری امور به خود مردم را داراست. و از طریق اطمینان به اصالت خلق، نه تنها با فشار آنها حرکت نمی‌کند بلکه در خطوط مقدم مبارزه، نقش پیشانی خود را ایفا می‌نماید. انقلاب نیکارگونه با آنکه به مبارزه سازمان یافته و مسلحانه راه خود را با آنکه به پشتیبانی خلق طی میکند. همان پشتیبانی که دولت موقت ما هم بدرجائی بالاتر از آن برخوردار بود، ولی بدلیل ضعف محتوایی خودش نتوانست از آن استفاده کند. و لذا در هر قدم خود را در مقابل موج خواسته‌های برآورده نشده، منفرد و تنها می‌یابد.

روح حاکم در نظرگاههای ...

بقیه از صفحه ۵ وصول به جامعه طبقاتی توحیدی درکی ذهنی و ساده‌اندیشانه نداریم. عبارت دیگر بکن به این جهت انداز برافتنش تاریخی چیزی نیست که هم اکنون و به سادگی میسر باشد. یکی از این افق درخشان پس از فرار و تشبها و گنگاشهای سرزنگی روی سید که ما هنوز در آغاز یکی از آنها بسر میبریم مشکلات تاریخی عقیم چنین احتیاجی به گهنور میان ما و آن صدها سال و صدها قیام فاطمه است یک به یکو بگونه " اللهم فالله " حل میشوند.

# آیا فیلم Z

## در ایران تجسم عینی می یابد

مشهد و از همین جا فیلم اوج میگیرد... رژیم سوسیالیست کردن خون دارد و با رذالت تمام با بکار گرفتن تمام امکانات، ما موران سرسپرده، دادگستری سرسپرده، عوامل مل مرتجع سرسپرده و... تلافی می کند ولی نهایتاً شکست میخورد و مفتضح می شود و رو شدن پرونده به سقوط دولت و - مناکمه جانپان دست اندرکار می انجامد و در اینجا است که امپریالیسم دولت سرسپرده طبق معمول (که سنت همه جانپان و استثمارگران غد خلق است) چهره خشن خود را نشان میدهد و با کودتای خونین خلق را خون می کشند و -

نماینگر اوضاع سیاسی اجتماعی یونان قبل از کودتای سرهنگان است. هر چند که در خود فیلم به تعدد به این مسئله اشاره ای نشده، ظاهراً حکومت وقت به آرا و احترام میگذارد ولی در پشت پرده همه آنها که کاره ای هستند و عروسک ها هستی دموکراسی ظاهری ویی حسابی راه می رود و وجود داشت نایب بود.

می کنند (برای مزید اطلاع به کتاب یونان سرهنگان رجوع کنید)..... فیلم تا آغاز کودتای نشان می دهد. فیلم Z را می توانیم بر روی دوربینی ولی آنچه برای ما مهم است تجربه اندوزی و کسب بصیرت و آگاهی ارییده -

هاست و نه گذرایی و سرگرم کننده بنا بر این با توجه به نقش و سیاست های جدید امپریالیسم و عملکردهای آن که تا پایان دراز مملکت ما را در چنگال خود داشته است.

می تواند ما را متفکر بنا دارد. آیا در ایران آمریکا می تواند سرسپرده گان در فکر تهیه Z دیگر منتها فیج تر و بزرگتر در ایران نیستند؟

برای آنها که ایران و یونان تفاوتی ندارد. آنچه مهم است سودا و بی و در راه آن بیبر جنایتی دست می زند، صوما با پایگاه های نیرومندی که بوسیله ارتجاع و مناصرتربیت شده خویش دست پا کرده اند و نهاد های که با زیرکی تمام ارتلاقی آن جلوگیری کرده و بدلتن کرده اند.

حوادث ماههای اخیر، تجسمی از فیلم Z به روایت ایرانی آن: آیا Z در ایران تکرار شدنیست؟ حوادثی که در طی چند ماه اخیر در این مین رخ داده است بظاهرا پاسخ سوال ما را روشن می کند. حمله به

بقیه از صفحه ۱۲  
(به بهانه دیدن فیلم)

اجتماعات توسط تیغ کشان و مریده جوان حرفه ای، توطئه علیه افراد و نیروهای مترقی و انقلابی، اغلال در روند روبه توسعه انقلاب تحت پوشش های رنگارنگ، نشان دادن شناخت فاشیستی، در توهمین و افترا، به دادگزاران انقلاب، رفتار توهمین آمیز و جعل و تحریف خبر توسط رسانه های غصب شده جمعی، و در پس همه اینها حساب شدگی و نقشه ریزی برای یک سو، استفاده موافق بهانه از احساسات پاک مردم و... همگی این مسئله را نشان میدهد که Z آهسته آهسته در این مین تحلیق می یابد. در فیلم، نیز با چنین فراد و اجزای شبه فاشیستی و تماماً فاشیستی و ریشه داشتن آنها در دولتی با مصلح ملی و رزمی یا مصلح دموکراتیک روبرو هستیم. در آنجا نیز برای گروه های مترقی مجال نفس کشیدن و ایستادگی عقیده باقی نمانده است هر گونه مدای مغالفتی با مارک ضد انقلاب و ضد دموکراسی و کمونیسم و جاسوسی مبرم میخورد.

در فیلم رهبری ارجحاً با نام لیسرا ل سیاسی برای ایران نامظنی به شهری که عملاً مشخص نمیشود و این خود گویای این مطلب است که شهر میتواند هر گامی دیگر نیز باشد -

میشود. دولت با همکار ریالیس و مناصراته ارتجاع می بخواد به هر وسیله که شده نگذارد این سفرانی انجام گیرد و از همین جا اشکال تراشی ها و سنگ انداختن وزیر سیلیسی در کردن ها آغاز میشود. مخالفین سفرانی بعنوان نمیل یک حرکت مخالف بطور عمد میارند از پلیس، لهن ها میارند و هر جایی و مرتجعین که مستقیماً منافع خود را در خطر می بینند، اینان نیز بحسب معمول از -

کاتال قانون " وارد شده و باز هم ثابت می کنند که دولت بی طرف، آوازه سفیره و بیوجی است، و در جریان سیاست های اقتصادی خواهی نخواهی دولت و قانون از طبقه و قشری دفاع میکند که خود از آن است، و نمونه های متعدد چنین بر عوددهای نیز در همین -

یکجا میگردند که در کشور ما کم نبوده است.

انجا... اینجا... وحدت دو منطق: بعد از انجام سفرانی رهبر جناح مخالف که سفرانی کرده است با توطئه ای حساب شده و از قبل تعیین شده توسط یکی از "لمین های ضد -

انها نظری تکریم تکلیف سعادتی را باید دادگاه تعیین کند و میا... می بینیم که در هر دو جناح فاشیسم و - ارتجاع یکی ست. اما پاسخ سوال ما را که Z در ایران تکرار میشود در منطق فاشیسم نمیدهد. بلکه پاسخ را باید در شرایط خاص ایران و وضعیت نیروهای سیاسی جستجو کرد. آیا از این نظر هم وضعیت ایران (مجموعه شرایط عینی و ذهنی) با شرایط فیلم " Z " یکی است؟ اندکی وقتی ملاحظه میشود که کیفیتاً " با هم فرق دارند، و به همین دلیل نیز Z در ایران قابل تکرار نخواهد بود. در Z جناح مخالف لیسرا لهای بودند که آنکارا تردید و دولتی نسبت به جنبش و عقابیت خودشان در چهره ها شان



Z به روایت ایرانی آن.....

دعای سرتا پا دروغ و تحریف شده اغیار و مسائل نیز که هست. آنجا مارک ها و قیمت وابستگی است و جاسوسی و کمونیست بودن و... در حالیکه رهبران مخالف هیچکدام کمونیست نیستند. اینجا هم هنوز توطئه مشترک ساواک و سیا و ارتجاع در مورد "سعادتی" ختم نشده است، آنجا در کوچه پس کوچه ها "افراد ناشناس" به مخالفین حمله می کنند و با منطق چوب و چماق شروع به نصیحت کردن می کنند و اینجا نیز همین است.

آنجا با سردی دادستان جوانی که بجای دادستان اول مسئولیت رسیدگی به پروفسور را بعهده گرفته توطئه رو میشود. حدود قفله از قتل تصادفی یک نفر را ترغیب و با اینجمن های مغفی با مصلح مذهب و کلیما و پلیس و -

دادستان و... میان میآید و اینجا نیز از دستگیری یک "جاسوس" یک مرتبه ردیابی کسانی پیدا میشود که از اغلال در روابط ایران و آمریکا -

و حثت رده اند. برای سفارتها میان میآید برای سرغورد های فاشیستی عوامل نفوذی ساواک در نهاد های که میتوانند مردمی با خند بسیار کشیده میشود. مدارک جاسوسی جای خود را به مدارک "توطئه" میدهد، و حضرات و حثت زده یکباره اعلام می کنند که ما

بقیه در صفحه ۴

# درد.....

این درد را با که بگویم؟  
وقتی پیمان دروغین،  
میراث خون هزاران شهید را،  
با قصه های نامردمانه،  
سبناج میدهند!

این درد را با که بگویم؟  
وقتی بی پایگان نورسیده، تزویر،  
با ذکر آیه های نپاهی،  
سد صوفی خلق راه،  
- پاره پاره میکنند!

این درد را با که بگویم؟  
وقتی رسالت توحید،  
ارثیه مقدس خونین نسلیها،  
له میشوند، بزرگد های افترا!  
بی آنکه شرم کنند،  
حتی ازهای های ضمه شلاق خدیجه!  
در خفناک ساکت سلولهای اوین،  
یا حرمت تلاوت لا اله الا الله!  
در صحنه ها سرخ چهارم خرداد.

این درد را با که بگویم؟  
وقتی که حرم رهائی،  
بیبوده، بیوج، عبث!  
گم میشود، در انزوی تلاقی باید!  
بی آنکه گرم کند،  
حتی، ای جای کوچکتر ندان شهر را!  
- در جمع زجر کش کارخانه ها،  
حتی نان؟ و روان شهر، نیز  
- محکوم گشتگی خویش میشوند!

این درد را با که بگویم؟  
بار رسالت سنگین عصر سرخ!  
و مانده همچنان،  
باری عظیم!  
باری گران!  
- این خرمن امانت عمر استیز خلق!  
این بار خفته های سرخ جهاد مجاهدین!

- درد دنگ، دنگ سرگاه چنگر،  
با در عروشه میبند تخت آهنی،  
در جزو جزو چربان سخت سر!  
- این حال صلح هجوم غشیتاک خلقها،  
در چو تابه بقیه تلخ تیربار!  
- این موج خون خروش غشمتین!  
بر سنگش گویهای تپه آلود شهرها،  
سنگین و کوهکن!  
مفرور و استوار!

این درد را با که بگویم؟  
باری عظیم!  
راهی گران بویست تاریخ،  
- پیش پای!  
این پیکر شکسته مجروح!  
این بومچ شقیه مقدس!  
با دگر خون!  
حقیقت پیمان!  
بردوش!

اینگ چریک مجاهد فریاد میزند!  
هان گیت با منش پیمان همی؟  
هان گیت با منش آندوه خلقها!  
هان گیت با منش فریاد خستگی!  
هان گیت منتظر!  
هان گیت؟!

- من درد میگویم،  
این درد را با که بگویم؟  
خرداد ۱۳۵۸

### رهائی خلقها...

بقیه از صفحه ۱۲

خلفهادر برهبری نظامی نوبن بود . واز طرف دیگر ایدم توانایی امیرالایسم برای سلطه جابزانه خود بر خلقها و حصل سیاسی آن نشأت می گرفت .  
فره می دبری موجب تشنیتی امیرالایسم بحدی بود که کینتر از یک موضع تدافعی چشم آریساری کشور های میانه بر روی شد . و سیاست خود را بر مریز بندی مان کشور های وابسته به غرب و مخالف آن استوار ساخت و تلاش خود را بر این اساس استوار ساخت که بهیتر ترتیب شده و ایستگان یارد گواه غرب را حفظ کند . مریز بندی تنگ نظرانه ای که تنها هدفش حفظ نظام های وابسته بود اما بر روی پیاپی جنبش نشان می داد که خلقهای مباحات فرادیکریسی توان به هم میز کشید و مهار کرد .  
طراحان سیاستهای امیرالایستی به این اندیشه افتادند که طرح نویینی بریزند تا همی ارواح انقلابات ضد امیرالایستی جلو گیری کنند و هم رومانانی بوضع نیاسد . مان اقتصادی بدنه هم برای بحران امیر الایسم چاره ای بیابند .  
برای روشن کردن مسری که هم از خواران یافتند و دنبال می کنند قسطنطی ارکتاب سازمان معاهدین خلق را که در آینده ای نزدیک منتخر خواهد شد از نظر نام می گذاریم .

### کمیسیون سه جانبه و خطوط مورد نظر آن

همزمان با اوج گیری بحران ، بهیشتاد دوسه روز اکتوبرشش جنس مانها تان بانک کمیسیون برای بررسی اوضاع و جهتجوی راه حل تشکلی می شود . اعضا : ژرگت کینده در این کمیسیون را حدوده ۵۰ نفر اربزرگترین سرمایه داران و سرخسته ترین روشنفکران و تئوریس های سرمایه داری تشکیل می دادند که از آمریکا ، اروپای غربی و ژاپن بودند . درست همین دلیل نیز کمیسیون سه جانبه مشهورند . ۷۰ نفر آنها از آمریکا و یغنه از اروپا و ژاپن شرکت کرده بودند .  
در این کمیسیون اعضا شرکت کننده به بررسی تمامی مسائلی که جهان سرمایه داری ناان روبروت (جه مسائل سیاسی ، چه مسائل اقتصادی و اجتماعی) می بود . اید . بر مسای تحلیلی کار تراشیط سه عملی آوردند . خطوط تازه ای را بر سر ای جهان سرمایه داری بی بریزید .  
تئوریس اصلی این کمیسیون زیستگنیف برزیسکی است . او که لهستانی الاصل است ، کار تان مسائل بلوک شرق (بویزه شوروی) می باشد . او در ضمن دارای تالیفات بلوک سرمایه داری ، و هم کار تریزیکتی از کسای است که در این

کمیسیون شرکت می کند (التهیستراز این موضع کنهت به خطوط کمیسیون آشنائی لازم را پیدا کند ، نه از موضع نظر دهنده موع دهنده) ، تا با اساس خطوطی که تعیین می شود ، بتواند به خوبی در آینده منجری سیاست آمریکا باشد . (چه از نظر داخلی و چه لحاظ خارجی)  
کمیسیون بعد از یک بررسی دقیق اوضاع بلوک سرمایه داری و بلوک شرق و هم چنین کشورهای تحت سلطه (معنی خلقهای جهان سوم) ، به یک سری نظر گاهها در رابطه با مسائل فوق الذکر می رسد این نظر گاهها مستی بر چند ایدیه اساسی است ، که بهیتره مد نظر برزیسکی می باشد .  
**جمع بندی فرلهاموئی جدید از اوضاع جهانی**  
ایدیه های مورد نظر کمیسیون سه جانبه بر ترتیب از این قرار است .  
۱- نظام قدیمی جهان مرکب از ملل صنعتی غرب ، بازارهای استعماری ، از هم یاشیده است . و جای آنرا کشورهای بسار ، که اغلب بیژو معنیافته هستند گرفته اند .  
۲- جهان افزایش جمعیتی تاریخی را تجربه می کند ، که فشاری عظیم بر بر بنیاد اجتماعی حتی ملل مرفه غرب وارد می آورد .  
۳- به سبب ارتباطات نویسن و افزایش سواد ملل در حال ظهور ، آگاهی های سیاسی ای جوانمزد است ، که با تلاش مردم برای کسب حقوق انسانی خود ، اوضاعی " انفجاری " پدید آمده است ...

(این دیدگاه و تحلیل نشان می دهد ، که آسنا وضیعت انقلابی کشورهای تحت سلطه را ، درک کرده اند) .  
بر اساس معیندی فوق الذکر است ، که برزیسکی به این نتیجه می رسد که : " کاری که ایالات متحده می تواند بکند ، گوشش برای انداختن تحول آوار مراز آب و هرج و مرج ، بهیتره انتقال سلطه است " . البته از نظر آقای برز - یسکی انقلاب خلقها یعنی تحول هرج و مرج گویند ، و انتقال نظم یعنی مهار کردن انقلاب با حرکات زرفیستی ، به شکلی که در نهایت به منافع امیرالایستی غربه اساسی بخورده ، و کشور مورد نظر از اردو گاه امیرالایستی خارج نشود .  
بوظیق نظر او ایالات متحده باید نشان بدهد که : " حاضرات عاجاست خواستهای جهانی که هر روز آهنگ تندتری می یابد ، کمک کرده به آن جهت منستی بدهد ... "

### حتما آنروز...

بقیه از صفحه ۱۲  
شد ... یعنی گلوم را می فتود ، گفتم : " آره عزیزم ... به شرط آنکه از هر قطره خون شما ، هزاران هزار جوان ، بمبار و آگاه شوند ... . انگار که دنیا را به او داده ای ، در آغوش کشید ، بوسید ، بوئید ، سیم را به سینهاش گذاشت و گفت : " از تو همین انتظار را داشتم ... صادر " ! حتما " آن روز می رسد که همه مردم آگاه شوند ... آن وقت حق بر باطل پیروز خواهد شد ، ... دیگر نفهمید چه می گوید ؟  
بضم ترکیب و سکوت به فریاد تبدیل شد ...  
زندگی منحل و برخطر حاضمانی ، همان چیزی بود که سید به دنبالش می - کنت . او همیشه از یک زندگی ساکن ، مرفه و هم چنین روزمرگی گریزان بود . مگر یک موجد واقعی می تواند لحظه ای از حرکت و مبارزه در جهت آرمانهای بی نهایت دور ، خود سیدش دست بردارد و به مومنتها و موفقتها ی کوتاه و رود - گذر و ناپایدار قناعت کند ؟

استعمارگرانمان . در رابطه با خلقهای جهان سوم ناان مواجاند ، برزیسکی و باران وهفکران نظیر اندرویانگرواس به نقاط ضعف و اشکالات بلوک مقابل (بلوک شرق) به خوبی آگاهی دارند . یعنی اینکه بخوبی می دانند که :  
۱- بلوک شرق از نظر تکنولوژیک در مجموع خیلی عقب تر از بلوک غرب می باشد . این برتری تکنولوژیک باعث می شود ، که کشورهای جهان سوم و حتی بلوک شرق (بویزه شوروی) ، محتاج تکنیای فنی و اقتصادی بلوک غرب (بویزه آمریکا) باشند .  
۲- اینکه کشورهای بلوک شرق نتوانستند ، مسائل اجتماعی و اقتصادی را چنانکه وعده داده اند حل نمایند ، لذا بر این اساس هنوز گزاشتی به سمت غرب - مایه داری ، در این کشورها وجود دارد ( نمونه " سولزسین " هاد شوروی ) .  
**چهره تیره امیرالایسم آمریکا**  
در ضمن آن ها به خوبی آگاهند ، که حمایت یکجانبه آمریکا از رژیم های دیکتاتور و خود گام ( نظیر ایران ) ، وهم چنین چندین سال درگیری در جنگ ویتنام که به کشته شدن و آوارگی مایسون ها منجر انجامید ، چهیره خردوشانه " آمریکا " خدشه دار شده ، و می رود که تمامی خلق های تحت ستم ، امیرالایسم جهان خوار (سرگزیدی امیرالایزم آمریکا) را ، به مثابه دشمن اصلی خود ببینند . اگرچه همان طوری کمی ، دانیم ، باستعمارگران جدیدار

### آیه الله طالقانی در سفارت فلسطین همبستگی خلقها جاودانه باد

و اسرائیل قاصب و زنا دیرست ، از ستم واکشش شدید مردم مسلمان ایران همواره پنهان نگاه داشته میشد . آقای طالقانی در هرجا و هر فرصتی که دست می داد نفوذ گسترده و همه جانبه اسرائیل و صهیونسم را در دره شتون کشور برملا میکرد . و مردم را از حضور مستشاران و کارشناسان اسرائیلی در همه امور سلطنتی ، از امور نظامی و امنیتی گرفته تا اقتصادی و کشاورزی آگاه میکرد و



در این عکس مسعود رجوی را همراه با سفیر سوریه و سفیر الجزایر در سفارت فلسطین می بینیم .

آتش خشم مردم ما را بر آرمیان میساخت آتشی که از غیرت نیست اسرائیل تاغلاکتر و صهیونستهای زنا دیرست ، واز احساس مهر و نزدیکی نیست خلق محروم و رزنده فلسطین سرخشمه میگردد و متوجه رژیم شاه بهتدو زریسی که سون پنجم صهیونسم در منطقه شناخته شده بود ، مردم سیاد دارند که پای صحبت آقای طالقانی نشسته باشند و ایشان اشاره ای به سئاله فلسطین ننموده ، و دفاعی از آرمیان مقدس

### انقلاب خلقهای ایران و فلسطین جدائی ناپذیر است

### دادگاه انقلاب...

بقیه از صفحه ۸  
و این در حالی است که دادگاههای انقلاب در همین روزهای اخیر افرادی را به جوعه " اعدام سیرد " افرادی که هنوز بکرور از دستگیری و بازداشت آنها نمی گذشت !!  
نمونه دیگر ، برخورد و موضعگیری در قبال حادثاتی است که دیگر نیازی به توضیح ندارد .  
بر این اساس مجددا تأکید می کنیم که دادگاههای انقلاب از سیر اصولی و درست خود خارج شده ، و معیست در آینده ای نه چندان دور هم بصورت انقلابیون در آید .  
وقتی کار بدینجا می کشد دیگر چه انتظاری از این دادگاهها می توان داشت ، جز اینکه مجازات ضد - انقلابیون را تخفیف بدهد ، انقلابیون را به بند کشد ، و برای ردگم کردن و یا مشغول داشتن مردم به جان قربانیان و درامندگان نظام فاسد گذشته بکشد ، و اینطور و اینگونه کند که دارد با ریشه های اصلی فساد و ضد انقلاب مبارزه میکند ...  
**پاسخ سوالات در کجا باید جستجو شود**  
اما آنچه برای ما تعجب آور است این است که چرا این سختگیریها را در مورد چایتنکاران واقعی و جلادان رژیم روا نمی دارد ؟ !!  
تناقضات و اشکالات روز افزون این دادگاهها یکی دو تا نیست ...  
آیا باز هم می توان از صلاحیت و حفاقت تمام عیار این به اصطلاح دادگاههای انقلاب صحبت کرد ؟ آیا صحنه های مکرر این دادگاهها ! ! در سیر تکرار همان سیدادگاهها و خیمه - شب باریهای مرمیاتی شاه خاشن پیش نمی رود . . . بخصوص به درجا خاشن . به خلق در آن تظهر شده و انقلابیون و یاکناخگان ، راه خدا و خلق خرابکار و جاسوس قلندادی می شوند .  
مگر فلسفه وجودی این دادگاهها ، قضای و نابودی سرسیردگان و مردوران خناستکار رژیم پهلوی و جیره خواران کینه کار امیرالایسم نبوده است ، و مگر این وظیفه و عملکرد اهمرم قدرتمند انقلاب در کوسنی بهایای نظام ضد خلقی گذشته نیست ؟ پس چرا از این سیر انقلابی منحرف شده ، و با مشغول شدن به مسائل جزئی و ... یک مشت واخورده و مفلوک جامعه را قسرنایی و بلادرگان دشمنان اصلی خلق می کنند . و در عوض شیخ الاسلام زاده ها ، ساواکیها و ... بدلیل تخصصشان زنده میمانند یا آزاد می گردند ؟؟  
" حاکمیت ارتجاع " (آسیم از نوع انحصار طلب آن) ، این است حوات مختصر و مفید هغه سوالات فوق هزاران سؤال و اشکال مشابه در کشور مختلف جامعه ما . هر روز هم که میگذرد ، دهنها سئاله و متغله انحرافی و ضد - مردمی جدید به آنها افزوده می شود . و این جریان همچنان ادامه دارد تا آنگاه راه تکامل و آزادی خویش را پیروز رسانده بکشاید .



## گزارشی از بزرگترین کنگره شوراهای کارخانجات (۳) موضع متروقی و مسئولانه در قطعنامه شوراهای

### نشانه آگاهی زحمتکشان جامعه ما است

در بررسی اساتانه کنگره شوراهای هدف آنرا ارزیابی کردیم - می بینیم که در هدف اساتانه بر ضرورت اتحاد و تشکیل بر اساس موازین اسلامی - برای دستیابی به "جامعه - طبقه توحیدی" انگشت گذاشته شد تا سبب با تأکید بر تلاش در جهت "ایجاد صنایع ملی و مستقل" و "با قطع ابادی امپریالیسم جهانی" به "مشارکت" تواریها در امر مدیریت "شرکتهای تابع و وابسته سازمان گسترش اهمیت داده شده است - تهدید جدی برای شوراهای البته باید توجه داشت که رسیدن به جوهر و محتوای این هدف اساتانه یعنی "نظم طبقه" وحدت و تشکیل زحمتکاران مشارکت و دیوکراسی ، و استقلال آنها با تعارض "جامعه توحیدی در شرایط کثونی فقط در یک مبارزه ضد امپریالیستی میراست - با این مفهوم که رسیدن به آن مرحله از سبب سبب مبارزه ضد امپریالیستی و ملی میگردد - زیرا این امپریالیسم آمریکا بود که برای مردم ما به حرم همن خواستها ۱۵ خردادها ۱۳۷۰ شهرپرور را با جنا کذابت - اگر با سنگی های کارخانه هایمان نگاه کنیم - سرخشان را در دست آمریکا - صهیونیستها و دیگر متحدان غربیشان میبینیم - اکنون هم امپریالیسم در کمن است تا مانع رسیدن کارگران و کارمندان به حقوق حقوقشان نیشان شود - کارگران نیز مانند همکاران خلق دنیا در پرتو شناخت دشمن اصلی و مبارزه با آن متواترند اتحاد خود را حفظ کنند - چه با دشمن اصلی (امپریالیسم و سرمایه داری و استعمار) یا سوا استفاده از عناصر ناگه - بخواند شوراهای را نابود سازد - و با شوراهای از محتوای اقتصادی - اجتماعی آن که نابودی بقا -

با این تهدید جدی دیگر خطر دو برابر می شود - یکی اینکه کارگران با حقوق خود نرسند - و دیگری اینکه با نفوذ توطئه سرمایه داری وابسته "شوراهای" میسوم و هدفی اصلی "دارند لکه در میسومند - نادانان است که چگونگی سرمایه داری را و استندگاه های کاری را از محتوا انداخته بودند و تنها در خدمت کارگران نبود - بلکه در مواردی علیه آنان عمل میگرد - طبیعی است که در چنین وضعی مسئولیت هائیدو برابر می شود - و شوراهای باستانی هوشیارانه به دفاع از محتوای اقتصادی - اجتماعی سیاسی همگام با مضمون ایدئولوژیک آن بپردازند - آنرا در جهت مبارزه با دشمن اصلی - امپریالیسم جهانی غرور سوق دهند - نه اینکه تنها به اسم و ظاهر شوراهای انقلابی و اسلامی اکتفا نمایند - بلکه هدفیهای مستعین و خواسته های کهرسان گیتی ما از شوراهای داشتند در عمل تحقق یابد - و از حرف به عینیت درآید -

۴ مواد اساتانه  
و نقاط قوت آن

مواد اساتانه می در تریسم چهارجوبی مناسب برای عملی کردن هدفهای اتحادیه دارد که در فصل سازمان داده شده است -

فصل اول - نام و مراکز اصلی - مدت - فعالیت - موسس اتحادیه و شرایط عضویت - بقیه در صفحه ۴

## رهائی خلقها، بحران نظام غرب

می نمود - این ویژگی بعنوان تورم سرکود توانان بود - که سازمان از طریق سبب شیوه های خدمتوری تنها بود - و نه شیوه های خدمتگویی - شد تا این بحران ویژگی آن - بطوری بود که برخی از اندیشمندان ضد امپریالیست را به این اندیشه انداخته که غرب و بخصوص آمریکا نمی توانند از پس بحران متوق بیرون آید -

### بحرانهای اقتصادی و سیاسی سرمایه داری

افزایش قیمت نفت در کشورهای مابقی دهه ۷۰ نیز امپریالیسم آمریکا را با دورانی جدید روبرو کرد - دورانی که می خواهد به غارت منابع انرژی سرمایه داری بازدهد - طوری که ساله انرژی را در آمریکا به یک ساله روز تبدیل نمود - بحران اقتصادی داخلی آمریکا ساله دیگری مواجهه شد که آن را یک بحران سیاسی باید نام گذارد - درگیری و اعتراض داخلی که بر سر دعوات دروینت نام بود - بحران واترگیت که منجر به استیفا رئیس جمهوری گردید - ساله کنترل گسترده سبب دخالت آن در سرکونی رهبران و درگیری های متعدد دیگر - امتداد بدوم آمریکا را نسبت به حکومت آن کشور و گناح سببست نمود -

مجموعه این عوامل درونی و بیرونی از یک طرف سرمایه داری اقتصادی نظام امپریالیستی را آشکار ساخت و از طرف دیگر پیروزی انقلابهای جهانی بخش راستم کرد - پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی از یک طرف ناشی از توسعه کمی و کیفی آگاهی بقیه در صفحه ۱۱

جا معه - عمل بیپوشانند - فیلم هستند که سرخ همگی آنها به سمت امپریالیسم آمریکا است - عمل کوچکترین حرکت مخالفی را اندا در دنیا انواع تمییدات سعی در کوبیدن و مقیم کردن تلاشها را در در همین رابطه نگاه تظاهرات گروههای مخالف که طبیعتاً در خواسته های خود محس هم هستند با یک و خون کشیده بقیه در صفحه ۱۰

سازشکست مرگبار در دوستانم خلقهای جهان سوم با زندگی خاصی از خود نتوان دادند - انقلاب در کشورهای تحت سلطه در سراسر جهان تطهیر تر شد - سبب خلقهای بی باک استرا در سراسر جهان فرورآوردند در آمریکا لاتین شاهدیم که انقلاب در نیگارگوئه ، بولیوی ، شیلی ، آرژانتین ساله روز شد - در آفریقا جنبشهای رهائی بخش بدستاوردهای سترگی رسیدند - خلقهای آنگولا ، موزامبیک ، کنگه ، مپاوتوه پیروزی دست یافتند و جنبشهای ازیتره ، زیمبابوه پا بود - ... - جنبش قابل ملاحظه ای کردند و از انقلاباتی مهم سراسر آفریقا بودند - در خاور میانه جنبش فلسطین و مظلوم در زیر توطئه های سنگین قرار گرفتند - اما سرانجام توانستند موفق در مقابل همه توطئه ها بایستند - انقلاب ایران درخششی خیره کننده بخود گرفت و نقطه امید برای تمام

## آیا فیلم Z در ایران تجسم عینی می یابد

به لطف سرسیردگان با قوسی مانده و لباس عوفی کرده کم - کمک رویه همان سوسه استیم - ولی فضای نیمه با زماهای اخیر ما را به فیض زیارت یک فیلم رساند - آنهم چه بود فیلمی که به حق با نا حق عنوان بهترین فیلم سیاسی تاریخ سینما را بدوش می کشد و مسلماً بهمین دلیل بوده که سالها در سرتیغ ما سوزوریم هاشن قرار داده است - نظری به فیلم:

فیلم Z بر حول محور مبارزه می گردد و طبیعتاً نشانگر تلاشهای مناصروا بسته ضد خلق نیز می باشد که همواره سعی در سرکوبی حرکتها می بردی در هر شکلی دارند تا بتوانند در پناه اختناق و فاشیسم به خواسته های خود واریا با نشان

بها بود که تیغ ما سوزور کزومه های هنری آریا مهران اجازه دیدن حتی یک فیلم متوسط را هم به ما نمیداد - سالها بود که مجبور بودیم فیلمهای معتدل و وحشی های غرب را ببینیم - اگر - نمیخواستیم - میتوانستیم به سینما ترویم - ولی اگر میرفتیم یا با یاد شاهد کشتارهای پهلوان پنبه های سبب و انقیلاحت سروس و مونا د با شیم - با با یاد خدای نجات غریب را بعنوان تحفه های هنری میخریدیم و با هزار چاره چه و به میل میفرمودیم و با یاد ... به حال آزا د بودیم میتوانستیم هیچکدام را نبینیم هم تا طور که نمیتوانستیم هیچ چیز دیگری ببینیم ... امروزه هم گرچه

خصوصیات انقلابی بود که توانست در اواخر سال ۵۰ همراه تنی از برادران هم گروهش به سازمان مجاهدین خلق ایران بپیوندد و زندگی شورانگیز و جدیدی را برای کسب و ارتقا ملاحضه انقلابی آغاز کند - ساد هزیستی - ریاضت انقلابی - ورزش - تماش و پیوند با توده های محروم - هر روز - حید را وارسته تراز دیروزش می کرد - مخصوصاً "طبق توبه" سازمان هیچگاه بر ناسه شپر گردی و برخورد با طبقات محروم جامعه را فراموش نمی کرد - می دانست که فقط در یک رابطه نزدیک با آنهاست که انسان می تواند عوارض ناشی از زندگی راحت خانوادگی را از سن برد - و مشکلات و رنجهایشان را از سیردیک لمس کند - مجاهد شهید محمد مفیدی می گفت: "در مسجد سیروشی یافتیم که در برخورد اول به او اعتماد کردم -"

مقت زندگی سازمانی - عشق توده ها را در دل پاک او عطف و رتر کرده بود که دشمنان را میترس: "مُتَدُّ رُحُلُ اللهِ وَ الْفَرِّینَ مُمَّةً اِنْذًا عَلَى الْفُقَّارِ رَحْمَةً"

بیدار می شوند: مادرش می گوید: "به او اعتراض می کردم که چرا این قدر بخود سخت می گیری؟ می گفت: اگر من خوب بخورم ، خوب بپوشم و راحت بخوام چطور درد همومان خودم را می فهمم؟" - وقتی به او می گفتم "خدا من" - او ته دل می گفت: "مادر ، من سبب محرومین و ستمدیده ها هستم - روزهای پنجشنبه مرا به خوب شتر می برد - لجن ها و سلاب هاشی که زندگی فلاکت بارشان را گرفته بود نشان می داد و می گفت: "مادر مگر خوب ما از خون اینها رنگین تر است؟" - اینها درستان واقعی ما هستند - هیچوقت فراموششان نکن: "قاصبت اودر تیردن از پیوند هایش نمونه بود - وقتی استن لوروت و سنا شد مخفی شود - خیلی محکم و بدون تزلزل تمام روابط علی را ش را قطع کرد - عظمت این عزم آهنین زمانی است که از

## حتماً آروز می رسد که همه مردم آگاه شوند

آزوق حق بر باطل پیروز میشود



زندگی انقلابی و ویژگیهای توحیدی برادر مجاهد: به صدق کلام علی (ع) که میگوید: "عِبَادَ اللهِ زِنُوا نَفْسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُؤْمَرُوا وَ طُغْيَانُهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُكْفَرُوا" - همواره برخوردها و رفتارهای روزانه اش را یاد داشت می کرد - و به حساب آنها می رسید - طی این حسابرسی ، خصوصیات منفی را بتدریج ولی قاطعانه ، در خودش از بین می برد - به دلیل برخورداری از همین

انقلابیون راستین با شهادت خود بر مسیر تکلیف - در راه خدا و خلق ، متعلق فراراه توده ها بر می افروزد - تا مردم در پرتو آن فداکارانها راه حرکت اجتماعی خویش را بیابند - و این سببهای اجتماعی را بازگشاید - مجاهد شهید محمد صفار - یکی از سوبه های باز بقا گذاری بود - که در راه تحقق آرمانهای توحیدی و در مسیر انقلاب شکوفا خلق ما - جان باخت - وی چون برهمنای بر کرد شیخ مکتب توحید و خلق قبرمان خویش سوخت - تا در دوران تاریکی ستم و ظلمت دیکتاتوری راه مردم خود را روشن سازد -

۱۴ مرداد مصاف با سالروز شهادت او است - خاطره ای مجاهد شهید را گرامی داشته - و ضمن تشبیل از همه شهیدای انقلاب - استنار راه رهائی بخش مردم و پاسداری از جان بازیهای شهید را آروز می کنیم - در زیر قستی از زندگی - نامه این برادر مجاهد را متأوریم تا الگویی برای پیوندگان راه باشد -

قلب نرم و بر ما طغای همچون حید بر - خود - و بدون کشتن تردید تمام میزند - های ما طغیانی است از دوستان همگرا و خانودعاش ببرد - آن کس که دلی سرد و بی دغدغه دارد معنی این حرف را نمی - فهمد - مادرش می گوید: یک روز غرا به کاری کشید و گفت: "مادر ما تو چند کلام حرف دارم ... من نوی راهی قدم گذاشته ام که امکان بازگشت به زندگی ندارد - می خواستم با اجازه تو بماند ... خواستم اعتراض کنم ... توی چشمانش نگاه کردم - یک دنیا نور امید - اراده و ایمان دیدم - تک تمام وجودش به صبرانه منتظر جواب - مشقت من بود - زبان مخالفتم قفل بقیه در صفحه ۱۱

هفته نامه مجاهد  
نشریه مجاهدین خلق ایران  
سال اول - شماره ۱۵ - ریال  
آدرس تهران - خیابان مصدق  
جنبش ملی مجاهدین